



شماره بیست و نهم | ۲۹ | ۴۵ صفحه | بهار ۱۴۰۱  
گانه‌نامه فرهنگی سیاسی و اجتماعی عمار

# گذری بروقایع ۱۴۰۰

گفتگوی صمیمانه با رئیس دانشگاه شهید دکتر آیت نجف آباد

صدای پای کسی می‌آید | مسابقه شعر بهار

بررسی تخریب هویت ایرانی در رسانه‌های غربی



صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه شهید آیت نجف آباد  
شهید دکتر آیت نجف آباد

مدیر مسئول: علیرضا یوسفان

سر دبیر: محسن قندی

مسئول هیئت تحریریه: شادمهر عسگریان

ناظر حقوقی: جمال ابن علی

ایده پرداز هنری: کوثر لطفی مفرد

نویسندگان شماره بهار ۱۴۰۱:

علی مهرابی کوشکی - شبنم رحیمی - رضا سواری  
محمد مهدی مقصودی - نیما قاسمی - حسین خوشکام  
علی برزویی - عارفه فتحی - یاسین یبلویی - بنیامین نوری  
مریم سادات حسینی پور - محمد کاوه - امیررضا شهمیرزادی  
محدثه محمدخانی - حمیدرضا شمس

طراح جلد:

محمد رضا کیوانی

گرافیک و صفحه آرایی شماره بهار ۱۴۰۱:

محسن قندی - مهدی یزدانی - امیر محمد عنبری

گویندگان:

محمد کاوه - پریسا خالویی

ویراستاران:

جمال ابن علی - محسن قندی - محدثه محمدخانی

زهرا هاشمی نژاد

سایت بسیج دانشجویی دانشگاه شهید دکتر آیت نجف آباد: [ayatbso.ir](http://ayatbso.ir)

ایمیل روابط عمومی نشریه عمار: [ammар.journal.cfu@gmail.com](mailto:ammар.journal.cfu@gmail.com)

نشانی: اصفهان - نجف آباد - امیر آباد خیابان شهید مطهری جنوبی -

دانشگاه فرهنگیان شهید دکتر آیت نجف آباد

# فهرست مطالب

۲	روز جهانی شعر و عطار نیشابوری
۵	چهارشنبه سوری
۶	بررسی فعالیت های صلح آمیز جمهوری اسلامی ایران
۸	صدای پای کسی می آید
۹	شعر آبی منم
۱۰	شعر نی نامه کرونایی
۱۱	بخای معلمتو بیچونی این میشه!
۱۲	چگونه مانند داستان نویسان حرفه ای، دیالوگ بنویسیم؟
۱۶	گفت و گوی صمیمانه با رییس دانشگاه فرهنگیان شهید دکتر آیت نجف آباد
۲۵	مسابقه ی شعر بهار
۳۰	بررسی تخریب هویت ایرانی در رسانه های غربی
۳۴	ضرب المثل اشك تمساح ریختن
۳۶	گذری بر وقایع سال ۱۴۰۰
۴۰	نقد فیلم دانش آموز بد یا معلم بد
۴۴	منابع

# سازندگ

## دبیر



گاهنامه فرهنگ  
سیاسی و اجتماعی  
عمّار

شماره بیست و نهم



بهار ۱۴۰۱

چہ می شود کہ سایی بہار جان ۱۰۰ سال  
بہ خانہ باغ دل ما پر و سر مرز

محسن قدر

# روز جهانی شعر و عطار نیشابوری

نام و نام خانوادگی: حسین خوش کام  
دانشجوی آموزش مشاوره و راهنمایی  
دانشگاه شهیدکتر آیت نجف آباد



یونسکو در سی امین اجلاس کنفرانس عمومی خود که در سال ۱۹۹۹ برگزار شد، به اتفاق آراء، روز ۲۱ مارس برابر با نوروز باستانی هر سال را به عنوان روز جهانی شعر اعلام کرد و هر سال این روز را گرامی می‌دارد.

## هدف اصلی:

یونسکو از کلیه کشورهای عضو، نهادهای دولتی و غیردولتی، شهرداری‌ها، مدارس، انجمن‌ها، موزه‌ها، ناشران و... خواسته‌است تا فعالیت‌هایی را به مناسبت این روز پیش‌بینی و اجرا کنند  
با نزدیک شدن به روز جهانی شعر قصد کرده ایم شما را با یکی از شاعران قدیم الایام و آثار و ویژگی‌های شعر او آشنا کنیم.

## عطار نیشابوری

### عطار نیشابوری که بود؟

فریدالدین ابو حامد محمد عطار نیشابوری مشهور به شیخ عطار نیشابوری (۱۱۴۶م/۵۴۰ق - ۱۲۲۱م/۶۱۸ق) یکی از عارفان، صوفیان و شاعران ایرانی سترگ و بلندنام ادبیات فارسی در پایان سده ششم و آغاز سده هفتم است.

### ولادت

او زاده ۶۱۸ هجری قمری

۱۲۲۱ میلادی

شادیاخ (نیشابور) است و با این که در نیشابوری بودن او هیچ شکی نیست اما انتساب او به کدکن که از قرای قدیم نیشابور بوده در هاله‌ای از ابهام است.

### کودکی عطار

کودکی عطار با طغیان غزها همراه شد؛ زمان فاجعه غز، عطار ۶ یا ۷ سال بیشتر نداشت. این فاجعه چنان عظیم و موحش بود که نمی‌توانست در ذهن کودک خردسال تأثیر دردانگیز خود را نگذارد. سلطان به دست غزها اسیر شده بود و شهر در معرض خرابی و ویرانی قرار گرفته بود. عطار خردسال شکنجه‌ها، تجاوزها، خرابی‌ها، مرگ و درد و وحشت را اطراف خود می‌دید؛ و همین عامل بعدها موجب مرگ‌اندیشی و درداندیشی بسیار در عطار شد. چند سال بعد، پس از فروکش فتنه غز، عطار در مکتب مشغول آموختن شد. در ایام مکتب، حکایاتی از زندگی بزرگانی چون عباس طوسی، مظفر عبادی، رکن‌الدین اکاف و محمد بن یحیی، او را به خود جذب می‌کرد. این حکایات علاوه بر اینکه مشوق عطار در طریقت بودند بعدها در تذکره‌الاولیا گرد آمدند.

### شغل

عطار داروسازی و داروشناسی را از پدرش آموخت و در عرفان مرید سلسله خاصی از مشایخ تصوف نبود و به کار عطاری و درمان بیماران می‌پرداخت. وی علاقه‌ای به مدرسه و خانقاه نشان نمی‌داد و دوست داشت راه عرفان را از داروخانه پیدا کند علاوه بر این شغل عطاری خود عامل بی‌نیازی و بی‌رغبتی عطار به مدح‌گویی برای پادشاهان شد.



گهنامه فرهنگی  
سیاسی و اجتماعی  
عطار

شماره بیست و هشتم

## ماجرای تغییر زندگی عطار

در روایات آمده که روزی درویشی نزد عطار می‌آید و از او طلب میکند که چیزی برای رضای خدا به او بدهد او این سخن را چندین بار تکرار میکند ولی عطار بی توجه به سخن درویش به کار خود ادامه میدهد وقتی درویش رفتار عطار را میبیند از او میپرسد تو چگونه خواهی مرد؟ عطار در جواب او میگوید همانند تو خواهم مرد ناگهان درویش کاسه چوبی خود را زیر سر میگذارد و از دنیا می‌رود این رویداد اثری ژرف بر او نهاد که عطار دگرگون شد، کار خود را رها کرد و راه حق را پیش گرفت؛ که البته این روایت، پذیرفتنی نیست زیرا که زهد عطار از همان ابتدای کودکی نمایان بوده است

## هدیه نسخه ای از اسرار نامه به جلال الدین

بهاءالدین محمد پدر جلال الدین بلخی با پسر خود که خردسال بود به عراق سفر می‌کرد که در مسیر خود به نیشابور به زیارت شیخ عطار می‌رود، شیخ که در آن زمان کهنسال بوده، نسخه ای از اسرار نامه خود را به جلال الدین که در آن زمان کودکی خردسال بود داد.

## آثار

او مدتی از زندگی خود را صرف طبابت و عطاری کرد و پس از آن به راه و رسم سالکان روی آورد و به عرفان پرداخت. آثار عطار شامل: الهی نامه، اسرار نامه، مصیبت نامه، تذکره الاولیا، منطق الطیر، جواهر نامه، خسرو نامه، مختار نامه، مظهره العجایب، پند نامه، اشتر نامه، نزهة الحجاب، بیان الارشاد، سی فصل، بلبل نامه، هیلاج نامه، وصلت نامه است.

ویژگی سخنان او گیرایی درعین سادگی و استفاده از حکایت‌ها و تمثیل است.

## مذهب

درباره مذهب عطار نیشابوری اختلاف است. او اشعار زیادی درباره فضیلت خلفا دارد که باعث شده او را از اهالی تسنن بدانند با وجود این، توصیفات او از حضرت علی (ع) و اهل بیت (ع) در آثارش، موجب شده است برخی نیز او را شیعه بدانند.

## وفات

مرگ عطار در سال ۶۱۸ هجری قمری به هنگام حمله مغول بود؛ وی در نزدیکی دروازه شهر به دست سربازان مغول کشته شد. علاوه بر این تمام آثار وی سوزانده شد و آثاری که از وی در دست است تنها آثاری است که قبل از حمله مغول، به سایر شهرها برده شده بودند.

در روایات آمده سرباز مغول با شمشیر ضربی به او وارد میکند و پس از آن عطار را رها کرده تا جان دهد عطار در آن حال با خون خود بر روی دیوار شهر چین می‌نویسد:

در کوی تو رسم سرفرازی این است  
مستان تو را کمینه بازی این است

با این همه رتبه هیچ نتوانم گفت  
شاید که تو را بنده نوازی این است



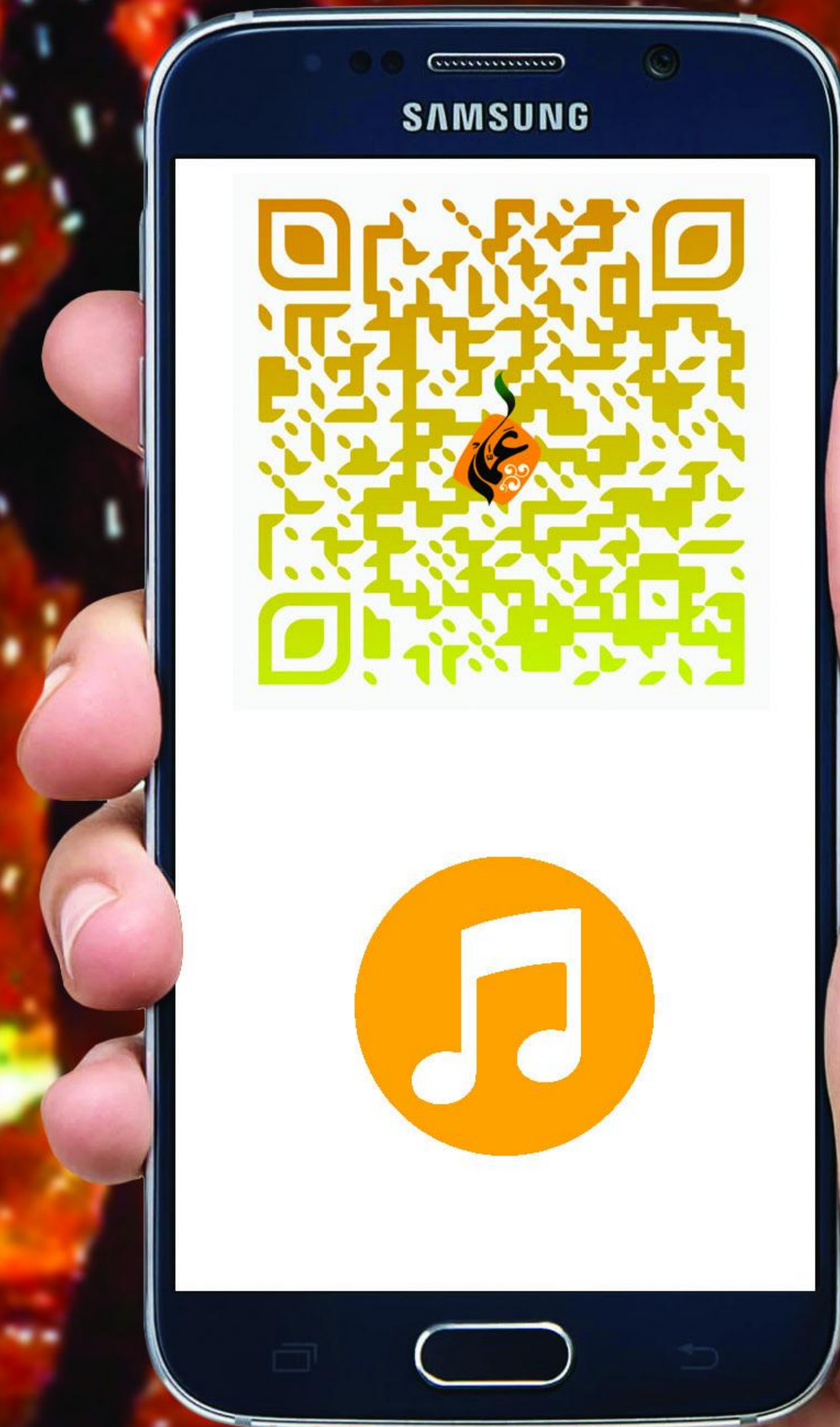




نام و نام خانوادگی: محمد کاوه  
دانشجوی آموزش ابتدایی دانشگاه  
شهیددکتر آیت نجف آباد



# چهارشنبه سوری



گهنامه فرهنگی  
سیاسی و اجتماعی  
عمّار



## جمهوری اسلامی ایران



انرژی هسته ای جدای از فواید و استفاده های مهم در صنعت ویژه گی مهم دیگری را نصیب ایران کرده است. و آن ویژگی باز دارندگی از تهدیدات بیجای دشمن و نیز عامل مهم مذاکرات در بدست آوردن امتیازات تجاری و اقتصادی است. که بسیار این روز ها به آن نیاز مندیم. در این متن قصد دارم به دو ویژگی اصلی این صنعت پردازم یعنی:

الف: بازدارندگی از تهدیدات دشمنان  
ب: موضوعی قابل مذاکره با غرب

الف: حال که در بهبوهه ی مناقشات بین غرب و شرق بر سر اوکراین هستیم و نبود توان نظامی کافی علیه مقابله با روسیه و هم پیمانانش بر همگان آشکار است که چطور ی کشور به راحتی ممکن است مورد تهاجم قرار بگیرد و ظرف کمتر از چند روز به پایتخت کشور نفوذ کنند.

اما اگر اوکراین وارد تفاهمنامه سال ۱۹۹۴ بوداپست نمیشد چه؟

تفاهمنامه بوداپست بین کشور های اوکراین روسیه و بریتانیا و امریکا برسر زرادخانه های هسته ای باقی مانده در اوکراین بود. که بر اساس آن اوکراین موظف شد زراد خانه ا خود را نبود کند و در ازا این سه کشور امنیت کیف را تامین کنند.

اوکراین در زمان جدایی از شوروی طبق گفته مسئولانشان دوبرابر فرانسه و بریتانیا و چین زراد خانه هسته ای داشته و آنچه که اظهر من الشمس است آن است که هیچ کشوری حتی ابر قدرتی مثل روسیه اجازه تجاوز به خاک اوکراین را به خود نمیداد. به این ترتیب شکی نبود که تحریم هایی علیه اوکراین به امضا می رسید و مردم این کشور، تحت فشار اقتصادی و سیاسی بسیاری قرار میگرفتند.

حال خلع سلاح شدن اوکراین سودمند است یا فشار اقتصادی؟ انتخاب بین این دو گزینه بسیار راحت است برای ملت ایران.

ملتی که بسیار تحت تاثیر فشار اقتصادی هستند.



اما مطلب بعد

فکر میکنید اگر غنی سازی ۶۰ درصدی و فعالیت هسته ای ایران نبود حال باید سر چه موضوعی با غرب و امریکا مذاکره میکردیم؟  
در زای دادن بخش های شمالی ایران به ترکیه و اذربایجان؟  
یا بخش های غربی به کردستان عراق؟  
طبیعتا این موضوع بسیار به نفع ماست که در ازای فعالیت های صلح آمیز هسته ایران و کاهش غنی سازی یک سری منافع اقتصادی نصیبمان شود.  
گرچه طی چهل سال اخیر که ترامپ زیر قراردادهای صورت گرفته زد و از برجام خارج شد.

حال انتخاب با  
خودتان؟!!



# صدای پای کسی می آید...

چه بسیار روزه دارانی که از روزه خود جز گرسنگی و تشنگی بهره ای نمی برند و چه بسیار شب زنده دارانی که از قیام شبانه خود جز بی خوابی و خستگی ثمره ای نمی گیرند. آفرین بر خواب هوشمندان و افطارشان! ۶

این گرسنگی و تشنگی و تحمل سختی روزه برای این است که زنگارهای قلب انسان پاک شود و برای استفاده از معنویات این ماه آماده بشود، تا با قرآن و دعا انس بگیرد و به ذات اقدس خداوند نزدیک بشود؛ معرفت حاصل کند، که وقتی باده معرفت را چشید، حج قبول هم در این ماه است اگر چه به مکه نرفته باشی. ۷

وقوف دل که به کوی تو مستدام افتاد

طواف کعبه چه حاجت که تو حجاز منی ۸

علی علیه السلام می فرماید: صِيَامُ الْقَلْبِ عَنِ الْفِكْرِ فِي الْآثَامِ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ الْبَطْنِ عَنِ الطَّعَامِ.

روزه گرفتن دل از فکر گناه، از روزه گرفتن شکم از غذا برتر است. ۹ روزه ی حقیقی خودداری از نگاه بد، فکر بد در همه ی شئون وجودی انسان باید باشد. اینجا حافظ از

ظاهر و باطن ماه رمضان صحبت می کند. شستشوی ظاهری کردی اما شستشوی باطنی هم کردی؟ و اگر کرده باشی آن گاه به مقاماتی رسیدی و خاک میکده ی عشق را زیارت کردی. ۱۰

مقام اصلی ما گوشه خرابات است

خدایش خیر دهد آن که این عمارت کرد ۱۱

ظاهر اصل نیست باطن اصل است و گوشه ی خرابات هم ترک تعلقات دنیوی، نفسانی، شیطانی است و رند در زبان حافظ کسی است که از این تعلقات برهد. حافظ می گوید مقام اصلی، ترک این تعلقات است. جز ترک تعلق برای وصول به حق راه دیگری نیست. ۱۲

و رمضان خلوت خاص مومنان در پیشگاه ذات اقدس خداوند متعال است.....

دل خلوت خاص دلبر آمد دلبر به کرم به دل بر آمد

جان آینه جمال جانان تن خاک دیار دلبر آمد ۱۳

هنگام صبح آمد ای هم نفسان خیزید

یاران موافق را از خواب برانگیزید

یاران همه مشتاقند در آرزوی یک دم

می در فکن ای ساقی از مست پرهیزید

چون روح حقیقی را افتاد می اندر سر

این نفس بهیمی را از دار در آویزید ۱

صدای پای ماه رمضان را می توان شنید، باده رحیق مختوم (شراب بهشتی) ۲ رمضان به حق که مومنان را مست از عشق خداوندی می کند. آمدی ای ماه خدا! تا مومنان به برکت تو نفس اماره را به دار بیاویزند، آمدی تا قرآن را شان نزول باشی! عشق روزه دار را ظهور باشی و قلبش را ماوای خدا!

کسی که وسعت او در جهان نمی گنجد/ به خانه دل من آمده است مهمانی ۳

اما شرط حضور در میهمانی عرشیان چیست؟ به چه شرطی واصل به مقام صیام می شوی؟ حضرت حافظ می گوید:

ثواب روزه و حج قبول آن کس برد

که خاک میکده عشق را زیارت کرد ۴

آن کس به سعادت رسید، که معنویت ماه رمضان را چشید. چه بسا سی روز روزه گرفته باشی ولی غرور پیدا کنی که من روزه گرفتم و اگر به غرور عبادت مبتلا شدی و به طعم معنویت ماه رمضان نرسیدی، چه چه دستاوردی داشتی؟ هیچ! ۵

مولی الموحدین علی علیه السلام در اینباره فرمودند:

وَقَالَ (عليه السلام): كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَالظَّمَأُ، وَكَمْ مِنْ قَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ قِيَامِهِ إِلَّا السَّهْرُ وَالْعَنَاءُ؛ حَبْدًا نَوْمُ الْأَكْيَاسِ وَإِفْطَارُهُمْ.



۱. دیوان اشعار عطار نیشابوری غزل شماره ۳۷۷

۲. قرآن کریم سوره مطففین آیه ۲۵

۳. غزل نیاز روحانی فاطمه راکعی

۴. دیوان حافظ شیرازی غزل شماره ۱۳۱

۵. تحلیلی بر ابیاتی از حافظ شیرازی براساس بخشی از برنامه تلویزیونی معرفت با حضور

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی و دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی با ویرایش و تلخیص

۶. نهج البلاغه سید رضی حکمت ۱۴۵ ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی

۷. تحلیلی بر ابیاتی از حافظ شیرازی براساس بخشی از برنامه تلویزیونی معرفت با حضور

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی و دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی با ویرایش و تلخیص

۸. دیوان منصوری (دیوان اشعار دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی) صفحه ۲۱۸ غزل قبای ناز

۹. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی صفحه ۴۲۲

۱۰. تحلیلی بر ابیاتی از حافظ شیرازی براساس بخشی از برنامه تلویزیونی معرفت با حضور

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی و دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی با ویرایش و تلخیص

۱۱. دیوان حافظ شیرازی غزل شماره ۱۳۱

۱۲. تحلیلی بر ابیاتی از حافظ شیرازی براساس بخشی از برنامه تلویزیونی معرفت با حضور

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی و دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی با ویرایش و تلخیص

۱۳. شعر خلوت خاص اثر نورعلیشاه اصفهانی





آبی منم خاکستری اما در این رفتارها  
گاهی بروزی می دهد خود را در این هربارها

جان و تنم در این تلاطم گاه پر بر می شود  
زین قصه های سردنمناک مصیبت و اراها

چون گاه خوادم می کنی، چون گاه در بر می کنی  
انگار گشتم از تو از این درد سهرانگارها

دردی است این دوری ز تو، دردی است این آسفتگی  
دردی است این میل وصال دردی است این اجبارها

رگبار اشک از کوه قلم روان است هر دمی  
مجرع گشتم از چنین سیلابی از رگبارها

یک دایره گشتم من از یک سهر به خود چرخیدم  
حتی به زاری دم زدند بر حال من پرگارها

آذر این وصل و جدایی جان بر جان می دهی  
آزاد شو از بند او هام و چنین پندارها

شبنم رحیمی



# نی نامه‌ی کرونایی

بشو از نی چون حکایت می‌کند،  
بد ز آدم‌ها شکایت می‌کند!!

عصرها، در پارک می‌پرسد ز خود:  
آن جوان، اصلا رعایت می‌کند؟!

بهر چه این ماسک، زیر چانه است؟!  
مبتلا گشتن، مگر اخسانه است!!

تو، نشستی هلق در هلق رفیق؟؟  
فب چرا! آدم مگر دیوانه است!؟

نی حریف رفیق هر که مهمانی نرفت!  
در شلوغی‌ها به آسانی نرفت!

با سلامت، چنگ و ناسازی نکرد!  
بی خودی، با جان خود بازی نکرد!

نی، شود قربان آنکه ماسک زد!  
دور ماند از چنگ این ویروس بد!

می‌نوازد نی به پایان کلام،  
کن رعایت! کن رعایت، والسلام!

عارفه فتحی





## بخای معلمتو پیچونی این میشه!

یه روز توی یه مدرسه ای بودم

سال بالایی ها به یازدهمی ها گفته بودن بچه ها معلم جغرافیتون کیه؟  
گفتن آقای عرب، سال هاست که سرگروه جغرافی کاشونه ، خیلی سال هم هست  
که سرگروهه (بزنم به تخته!)

دو سه تا سوال پرسید که پیچونیدش. ببینید بلده یا نه! 😊

چهارتا از شیطون هاشون نشستته بودن یه سری سؤال جور کرده بودن  
منم روز اول گفته بودم همه چیز بلد نیستم ولی در حد سوال هایی که شما  
می پرسید بلدم...

یکیشون پرسید آقا جهت رو چطوری پیدا کنیم

مثلا جهت شمال رو چجوری پیدا کنیم اگر جایی گیر کردیم 🌞

گفتم به خورشید نگاه میکنی. شما تو آمادگی دفاعی هم همچین چیزی  
خوندید (لهجه کاشونی)

نگاه به طلوع و غروب خورشید می کنید

یه سنگ میذارید یه مدت بعدش دوباره یه سنگ میذارید یه سایه ای درست  
میکنه

پا چپتو میتونی بزاری رو سنگ اول پا راست رو سنگ دوم اینطوری پیدا کنی

گفت آقا اگه نبود چیکار کنیم 😊

گفتم نگاه ب ساعت کن با ساعت جهت یابی کن 🕒

گفت آقا اگه نداشتیم چی

دیدم ول کن نیست

گفتم نگاه به تنه ی درخت ها کن 🌳

تنه درخت هایی که رشدش بیشتر بوده جهت جنوب رو نشون میده

گفت اگر درخت نباشه چی

گفتم مورچه که دیگه همه جا هست 🐜

گفتم (به قول کاشونیا) : چه معنایی داره یه دختر بره

جایی که نه آدمه نه خورشید نه سنگ نه مورچه

(یه شوخیه!)

کلاس رفت رو هوا. همه خندیدن

دیدم این دختر خجالت کشید

گفت اقا آبروی منو بردی

بعد از یکی دوماه فهمیدم اومد گفت ما میخواستیم

شما رو پیچونیم (که آقا شما خودت اونارو پیچوندی!)





## چگونه مانند داستان نویسان حرفه‌ای، دیالوگ بنویسیم؟

هر دیالوگی حق حضور در داستان شما را ندارد!

دیالوگ باید یکی از سه کار زیر را انجام دهد:

### ۱. بیان احساسات

مثال: وقتی برای بار دوم او را دیدم، گفتم: «بخشید... دست من نبود، اون خودش

رو پرت کرد پایین.»

### ۲. انتقال اطلاعات

مثال: به سعید گفتم: «از داداشت چه خبر؟»

با دیالوگ بالا، مخاطب می‌فهمد که سعید یک برادر هم دارد،

پس تزریق اطلاعات هم با دیالوگ امکان‌پذیر است.

اصغر عبداللہی در این باره می‌گوید:

«مهم‌ترین و اصلی‌ترین خاصیت دیالوگ یا همان حرف زدن،

اطلاع‌رسانی و خبر دادن است.»

### ۳. شخصیت‌پردازی

مثال: با خودش گفت: «امروز صبح نتونستم حموم برم و همین خیلی عصبی م

می‌کنه.»

مخاطب با خواندن دیالوگ بالا، یکی از ویژگی‌های شخصیت که وسواسی بودن

است را کشف می‌کند.

مثال دیگر: بهروز گفت: «س... س... سلام. خو... خو... خوبی؟»

با دیالوگ بالا هم مخاطب می‌فهمد که شخصیت لکنت زبان دارد.

اگر دیالوگ‌های داستان شما، یکی از کارهای بالا را انجام نمی‌دهد، باید آن دیالوگ را حذف

کنید.

حواستان باشد دیالوگ از دهان شما بیرون نیاید بلکه از دهان شخصیت داستان بیرون بیاید.

یعنی حرف‌های خودتان را در دیالوگ‌های شخصیت نگذارید. مثلاً اگر شما در حرف زدن، مدام از کلمه‌ی

«خُب» استفاده می‌کنید، در نوشتن داستان، باید شش‌دنگ حواستان باشد که این تکیه کلام را در دیالوگ

شخصیت‌هایتان قرار ندهید. به جایش از تکیه کلام‌های دیگر استفاده کنید تا شخصیت‌پردازی هم کرده

باشید.



دیالوگ باید متناسب با شخصیت باشد.

به نظرتان یک پزشک و یک مکانیک مانند هم صحبت می کنند؟  
جواب روشن است، خیر.

هنگامی که وارد اتاق پزشک می شوید، پزشک می گوید: «سلام... بفرمایید بشینید... مشکلتون چیه؟»

ولی وقتی وارد یک مکانیکی می شوید، مکانیک می گوید: «سلام علیکم... بیا تو داداش... حال ماشینت و خیمه؟»

یا حتی یک کودک! او هم سلام کردنش متفاوت است. او به جای اینکه خیلی شیک و مجلسی سلام کند، می گوید: «دَلام.»

تفاوت نثر کتابی و شکسته (محاوره) را بشناسید.

نثر کتابی همان نثری است که در کتاب‌ها و روزنامه‌ها از آن استفاده می شود و نثر شکسته، نثری است که ما هنگام حرف زدن در زندگی روزمره از آن استفاده می کنیم. برای اینکه ماجرا را بهتر بفهمید، من یک جمله را به نثر کتابی و شکسته برایتان می نویسم.

**نثر کتابی:**

او فقط یک دختر دارد که صبح‌ها او را به مدرسه می برد.

**نثر شکسته:**

اون فقط یه دختر داره که صبح‌ها اون رو به مدرسه می بره.

شما در داستان با هر دو نثر می توانید دیالوگ بنویسید ولی وقتی یکی را انتخاب می کنید، باید دیالوگ‌های تمام داستان‌تان با همان نثر باشد. نکات نگارشی و زبانی را رعایت کنید.

یک دیالوگ استاندارد، با علامت‌های نقل قول: و گیومه‌ها «» همراه است.

مثال: علی گفت: «من مطمئنم که اون یه ریگی به کفش داره.»

**نکات:**

۱. نقطه‌ی پایانی جمله، داخل گیومه قرار می گیرد.

۲. در داستان افعال حذف نمی شوند، مثلاً علی: «من مطمئنم...» اشتباه است و از این شکل در نمایشنامه

ها

استفاده می شود، نه در داستان. باید بنویسید علی گفت: «من مطمئنم...»

۳. اگر دیالوگ بین دو شخصیت طولانی است، می‌توانید دیالوگ‌های اول را استاندارد و مطابق ساختار بالا بنویسید و در دیالوگ‌های بعدی نام شخصیت و فعل و علامت نقل قول را حذف کنید.

مثال: اشکان گفت: «به نظرت بهمون می‌رسن؟»

مهدی گفت: «نمی‌دونم... شاید برسن.»

«پس بیا دورتر بشیم.»

«باشه.»

یا می‌توانید تنها به خط تیره در اول جمله بسنده کنید.

مثال: اشکان گفت: «به نظرت بهمون می‌رسن؟»

مهدی گفت: «نمی‌دونم... شاید برسن.»

-پس بیا دورتر بشیم.

-باشه.

ولی یادتان باشد دیالوگ‌های اول باید ساختار استاندارد را داشته باشند.

۴. برای نوشتن گیومه در رایانه‌ها می‌توانید از کلیدهای ترکیبی shift+L و shift+K بهره ببرید.





مصاحب  
دانشگاه  
فرهنگ  
دکتر  
امیر  
آقای  
علیرضا حاجی صادقیان

# گاهنامه فرهنگ سیاسی و اجتماعی عمّار

شماره بیست و نهم



مصاحبه گران: نیما قاسمی، محسن قندی

تنظیم کننده: محدثه محمدخانی

# مصاحبه با رئیس دانشگاه فرهنگیان شهید دکتر آیت نجم آباد آقای علیرضا حاجی صادقیان



مصاحبه با رئیس دانشگاه فرهنگیان شهید دکتر آیت نجف آباد جناب آقای دکتر علیرضا حاجی صادقیان ضمن تقدیر و تشکر از زحمات کارکنان نشریه عمار، تشکر ویژه ای به منظور ترتیب دادن این جلسه داشتند. جناب حاجی صادقیان متولد ۱۳۵۲/۲/۷ از نجف آباد هستند، ایشان دکترای ادیان و عرفان دارند و به دلیل تحصیل در این رشته بسیار خوشحال و خرسند هستند.

ایشان دلیل انتخاب رشته ی ادیان و عرفان را واقف بودن و داشتن علاقه به علوم قرآنی دانستند و خاطرنشان کردند که احادیث ائمه اطهار (ع) به دلیل قوت غنایی که در جامعه داشته اند، بنده را به سمت و سوی این رشته نورانی هدایت کردند. ایشان در ادامه صحبت های خود در مورد انتخاب رشته ادیان و عرفان اظهار نظر داشتند که دین با فطرت انسان گره خورده و همواره دین بوده که باعث پویایی انسان شده و در طول تاریخ به همین دلیل تحقیق و تفحص در این رشته را با قوت آغاز نمودند.

## چه چیزی مسیر زندگی شما را تغییر داده و باعث پویایی شما شده است؟!

در برهه های مختلف، انسان اندیشه ها و الگوهای فکری متنوعی را مدنظر قرار میدهد. مسلمان گاهی این اندیشه ها به صورت الگویی بودند و بنده نیز از این الگوها تاثیر پذیرفته ام، برای مثال در دوران کودکی در محله های زندگی میکردیم که جو ایثار و شهادت موج میزد و رفقای داشتیم که بعضا شهید یا جانباز شده بودند و ما از این یاران دیرین خاطراتی داشتیم که مشخصا باعث الگو گیری از این پاک طینتان آسمانی میشود.

در وهله دوم وجود همکاران مخلص، شاگردانی کوشا و جو کاری بسیار خوب.

در وهله سوم وجود استادانی همچون دکتر ابوالقاسم عاصی، مرحوم دکتر فقید حکیمیان که افتخار تلمذ در محضر این اساتید را داشتیم.

و اما مهم ترین الگوی زندگی بنده ارتباط با شهدای عالی مقام و گرفتن حاجات خود ارتباط داشتن با این بزرگواران بوده است.



و در وهله آخر وجود خانواده مذهبی، پدر و مادر فهیمی که دیگر در قید حیات نیستند.

**جناب آقای حاجی صادقین خاطرہ ای از دانشجویان یا اساتید دارید که بسیار شاخص بوده باشه و در یاد شما مانده است؟؟ (ایشان با حالت مزاح گفتند «خیلی» چیزی که ما انتظار نداشتیم) 😊**

بله در دوران حضور در دانشگاه با هنر دانشجویی داشتیم به نام مسلم گراوند دانشجوی رشته حرف و فن داشتیم جناب آقای گراوند به فاصله ده الی دوازده روز در دانشگاه حضور نداشتند بعد از این مدت که به دانشگاه آمدند با لباس مشکی ایشان را دیدم و ناخودآگاه ذهنم به سمت و سوی رفت که گویا مصیبتی بر این دانشجو وارد شده است.

هنگام حضور در سلف غذا خوری با حالت دلجویی به این دانشجو گفتم: (مسلم نبودی، اتفاقی افتاده مشکی پوشیدی؟) برآشفت و با حالت مهربانی گفت: (استاد منتظری برای ما اتفاقی رخ بده؟) گفتم (خیر دیدم لباس مشکی پوشیدی) گفت: آقا (مشکی رو واسه این پوشیدم که رنگ عشقه) 🙄

از اون به بعد این دانشجو رو ملاقات نکردم تا هنگامی که در مقطع دکتری قبول شدم این بنده خدا را در شهر خرم اباد ملاقات کردم.

سوال بعدی!

**در مورد هیات علمی دانشگاه سوالی داشتیم اینکه در دانشگاه فرهنگیان نسبت استاد به دانشجو ۱ به ۷۰ هست به نظر شما این وضعیت، کیفیت آموزش رو پایین نیاره؟**

خب دانشگاه فرهنگیان به دلیل اینکه از سال ۹۰ به صورت رسمی آغاز به کار کرده است، در بحث هیات علمی دانشگاه، کار شکنی هایی صورت گرفته است و این تعداد و نسبت که گفتید را ما معتقدیم که باید تا ۳۰ نفر کاهش داشته باشد. ایشان خاطر نشان کردند که، دکتر خنیفر نیز تلاش های بسیاری را انجام دادند در بحث هیات علمی دانشگاه فرهنگیان. و همچنان حمایت های صریح مقام معظم رهبری نیز باعث شده تا مقابل این کار شکنی ها، توان مقاومت داشته باشیم. چون عده ای از مسئولین معتقدند که چه نیازی به وجود دانشگاهی است، که به مدت چهار سال کلیه ی هزینه های یک دانشجو را پرداخت کنند تا یک معلم تربیت شود؟؟؟! و اما به حول قوه الهی و با حمایت های مقام معظم رهبری کاری از پیش نبردند، ولی در بحث امکانات و تخصیص اساتید، هنوز یک سری کارشکنی هایی صورت میگیرد که امیدواریم هر چه سریع تر برطرف شود. ایشان خاطر نشان کردند که، در سال جاری در بحث هیات علمی دانشگاه، سایتی راه اندازی شده است که کمک کند اساتید برجسته ای وارد دانشگاه فرهنگیان شوند. 🍀

**چه توصیه ای به دانشجو معلمان دارید؟؟**

::: در بحث معلمي دوستان باید یک سری صفات را زینده خود کنند و مهارت هایی را باید با کار معلمي هماهنگ کنند تا موفق شوند.

دوم اینکه در ادامه تحصیل خود اهتمام ویژه ای بورزند و طبق مراحل قانونی آموزش و پرورش مدارج عالی تر را کسب کنند.



تشکیلات دانشجویی متعددی وجود دارد که گاهی جلساتی رو ترتیب میدهند بنده با حضور در این برنامه هم متوجه موضوعی شدم ، با این که این جلسات بسیار مهم هستند برای تربیت نیرو های انقلابی ، ولی فقط دانشجویان استان اصفهان توان حضور در این برنامه ها رو دارند وعملا دانشجویان شهرستانی و سایر استان ها از این فعالیت ها بی بهره اند شما برنامه ای برای این موضوع دارید؟! از نظر روانشناسی ارتباط حضوری و چهره به چهره خیلی موثر تر از حضور در فضای مجازی می باشد و تشکیل این کارگاه ها هم در بستر فضای مجازی بازدهی کمی دارد و گره این مشکل فقط با حضوری شدن دانشگاه قابل باز شدن هست.

فرهنگیان مهم ترین مرکز تربیت نیروی متخصص آموزش و پرورش هست ولی متاسفانه در چند سال اخیر به دلیل کمبود نیرو وزارت آموزش و پرورش، خواهان جذب چندین هزار معلم با عنوان حق التدریسی و ماده 28 هست و ورود افراد غیر متخصص که با دوره هایی گاهی یک سال یا کمتری که میبینند به نظر شما مشکلی برای آموزش و پرورش به وجود نمی آورد ؟

تربیت نیرو در دانشگاه فرهنگیان به صورت مهارتی می باشد و حضور افراد فاقد تخصص به بدنه آموزش و پرورش آسیب وارد می کند ، اما ریشه ی این مشکل از ده سال پیش به وجود آمد که وزیر وقت آموزش و پرورش به دلیل کمبود نیرو در آموزش و پرورش پیشنهاد حضور دانشجویان سایر دانشگاه ها با عنوان نیرو های حق التدریسی را دادند و متاسفانه تحت یک لایحه به مجلس الحاق و تصویب شد . اما نظر مسئولین این است که تا دو سال آینده این موضوع به صورت کامل برداشته میشود و دانشگاه فرهنگیان تنها معبر تربیت نیروی متخصص آموزش و پرورش خواهد بود.

جناب استاد حاجی صادقیان به نظر خودتان تا چند سال آینده ریاست دانشگاه رو به عهده خواهید داشت؟

و اینکه آیا فرزند خودتان رو تشویق به حضور و تحصیل در دانشگاه فرهنگیان میکنید؟

::: همیشه گفته ایم که ما از ابزار ریاست فقط یک مهر و امضا داریم والسلام و هیچوقت به دید پست و مقام به ریاست دانشگاه نگاه نمی کردیم و همواره این رو همه جا عرض کردم که من دانشجویی هستم که چند ترم افتاده ام و چند صباحی در دانشگاه در خدمت عزیزان هستیم.

در مورد تحصیل فرزندم در دانشگاه فرهنگیان ، باید این موضوع رو بگم که فرزند بنده سال گذشته کنکوری بوده و یکی از علاقه مندی هایی که من دوست داشتم در انتخاب رشته لحاظ کند بحث دانشگاه فرهنگیان بوده و ایشان گفتند که علاقه ای برای حضور در دانشگاه فرهنگیان ندارد و در حال حاضر در رشته عمران مشغول به تحصیل هستند.



جناب حاجی صادقیان اهدافی برای بهسازی بدنه دانشگاه دارید و آیا برنامه ریزی در این خصوص کرده اید؟

در بحث بهسازی دانشگاه در قسمت سرویس های بهداشتی کاملاً این قسمت بازسازی شده و در قسمت سرای دانشجویی شماره یک ، تغییرات اساسی نسبت به دو سال پیش انجام گرفته و امکانات متنوعی برای این سرا در نظر گرفته شده است .

به دلیل بافت قدیمی ساختمان های دانشگاه آیت لوله کشی های ساختمان کاملاً از بین رفته بود که این موضوع مصرف آب را بسیار بالا برده بود و چیزی حدود چهار میلیون تومان فیش مصرفی آب طی یک سال برای دانشگاه ارسال شده بود که با همت دوستان و همکارانم در واحد آیت لوله کشی ساختمان ها کاملاً بهسازی و تعمیر شد .

با توجه به اینکه وضعیت کرونایی مجدد در کشور حاکم شده ، خواستیم بدانیم که دانشگاه در زمینه تامین زیر ساخت های لازم چه اقداماتی انجام داده و یا انجام خواهد داد؟؟ با توجه به وضعیت نامناسب سامانه ال ام اس ....

و آیا اینکه برنامه ای برای حضوری شدن دارید ؟

ايجاد بسترهایی برای تشکیل کلاس به جز سامانه های خود مرکز مدیریت دانشگاه فرهنگیان کشور، غیر قانونی هست و با توجه به کمبود دیتای های ارسال سیگنال در دانشگاه فرهنگیان ، مسئولین دانشگاه فرهنگیان مجبور شدند دیتا هوایی از دانشگاه شریف را به امانت بگیرند تا وضعیت ايجاد کلاس کمی بهتر برگزار شود.

و تلاش ما این هست که با توجه به موج جدید کرونا آموزش در فضای مجازی به احسن شکل دایر باشد.

در مورد حضوری شدن دانشگاه این موضوع با دانشگاه نیست و هر دستوری یا پیامی از مراکز بالاتر به ما ارجاع داده شود ما همان را اجرا خواهیم کرد.





جناب آقای حاجی صادقیان به عنوان رئیس دانشگاه چند نمونه از سختی های رئیس دانشگاه را بیان کنید.

مطمئناً هر کاری سختی خاص خود را دارد ولی آن چیزی که این سختی را شیرین میکند پایان و سرانجام خوب اینکار هست ، که ان شاءالله هم مورد رضایت خداوند باشد و هم عزیزانی که در خدمت آنها بودیم .

جناب آقای حاجی صادقیان در بحث تفکیک جنسیتی و مختلط شدن دانشگاه های فرهنگیان از لحاظ جنسیتی نظری ندارید؟

نظر بنده این است که به این موضوع نباید به چشم محدودیت نگاه کرد ولی خوب ما خودمان نیز طی مکاتباتی که با مسئولین داشتیم خواهان این موضوع بودیم که در بحث ازدواج برای هر دو گروه یک مأمون و سرپناهی باشه که هر فرد سوژه مورد نظر خودش را انتخاب کند . ما حتی این موضوع را با نهاد رهبری مکاتبه کردیم که نظر مساعدی داشتند ولی به هر حال انجام این کار تبعاتی دارد که افراد از انجام آن ترس دارند.

خاطره ای طنز از دوران دانشجویی تون بفرمایید

ما در دوران دانشجویی یک سال در شب یلدا مقداری پول را با همکاری هم اتاقی ها جمع کردیم و بنده خدایی را برای خرید به سبزه میدان فرستادیم ایشان مقداری میوه خریده بودند و همچنین مقداری هم کیک خامه ای این بنده خدا این میوه ها و شیرینی ها را با هم یک جا قرار داده بود و اون موقعی که رسید ما خواستیم درب کیسه را باز کنیم میوه هایی دیدیم با شمایل شیرینی و اون موقع که خوردیم متوجه شدیم میوه خامه ای چه مزه ای دارد.

در بحث نخبگی و المپیاد های علمی بین دانشگاه ها ، دانشگاه فرهنگیان نسبت به سایر دانشگاه ها کم فروغ تر ظاهر شده شما برنامه ای در این خصوص ندارید و یا نداشته اید ؟؟

در بحث نخبگی کم فروغ تر ظاهر، حمل بر کم توان بودن دانشجویان ما نیست ، همانطور که میبینیم رتبه های برتر وارد دانشگاه فرهنگیان میشود و مسلماً ما دانشجوی نخبه در همه رشته های علمی و ورزشی داریم.

و اما در اینکه به صورت سازمانی حمایت شوند کم فروغی شده است ، ولی در کار گروهی که در شورای اجتماعی و فرهنگی استان با حضور جناب اقا حسینی برگزار شد، آسیب شناسی این موضوع انجام شده تا یک پیشنهاد جامع به تهران ارسال شود.



## آیا شما فعالیت دیگری غیر از دانشگاه دارید ؟

بنده در سال نود بر حسب یک خواب یک مرکز خیریه به نام حضرت علی اکبر (ع) برای کودکان بد سرپرست یا بی سرپرست در خانه در نجف آباد تحت حمایت کامل خود از لحاظ قانونی با توجه به دستور دادگاه که از خانواده آنها سلب مسئولیت شده در آورده ایم هویت این که کودکان کاملا مخفی است و ما دوست داریم مثل شهروندان عادی زندگی خود را داشته باشند تا ان شاءالله به مدارج عالی برسند و بنده نام این مرکز را خانه بهشت گذاشته ام و هرگاه از کار خسته میشوم به سر به آنجا میزنم و حال هوای بهتری را کسب میکنم.

ما موسسه دیگری داریم به عنوان فیک (فلسفه برای کودکان)

که ما معتقد هستیم کودکان باید در فرایند فکر کردن پویا باشند و زمینه پویای خود را به

وجود بیاورند

عشق از منظر آقای حاجی صادقیان چه جایگاهی دارد؟

و آیا اینکه شما عاشق شدید؟  
مسئله هر فردی در طول زندگی خود طعم عشق را کسب می کند و به نظر من عشق یعنی یکی شدن ولی هر کس عشق زمینی را تجربه نکند نمی تواند عشق عرفانی و آسمانی را تجربه کند.

با این کلمات چه کلمه ای به ذهنتون میاد؟

آقای عابدی (مسئول حراست دانشگاه) «همکار دلسوز»

آقای ابراهیم (مسئول فرهنگی دانشگاه) «رفیق

سلف» آرامش

دانشگاه فرهنگیان «همدلی

خوابگاه» محل یافتن دوست جدید

نشریه عمارت «هم راز دانشگاه

و آیا احساس خوشبختی میکنید ؟ خیلی 😊

ایشان در آخر آرزوی خوشبختی برای دانشجویان داشتند و عرض کردند هرگاه خبر موفقیت دانشجویانم را می شنوم بسیار خوشحال میشوم و از فرماندار نجف آباد، معاون وزیر آموزش و پرورش و ... نام بردند که روزی شاگرد ایشان بودند و حال به مدارج بالایی رسیدند.



هماهنگی:

شادمهر عسگریان، مشاوره و راهنمایی  
دانشگاه شهید دکتر آیت نجف آباد

درج آوا:

حمیدرضا شمس، مشاوره و راهنمایی  
دانشگاه شهید دکتر آیت نجف آباد

هم اندیش پرسشها:

علی نعمتی، مشاوره و راهنمایی  
دانشگاه شهید دکتر آیت نجف آباد

ای دل بتلای من شیفته هوای تو

دیده دلم بسی بلا آن همه از برای تو

رای مرا به یک زمان جمله برای خود مران

چون ز برای خود کنم چند کشم بلائی تو

نی ز برای توبه جان بار بلائی تو کشم

عشق تو و بلائی جان، جان من و وفای تو

باد همان بی وفاد شمن من ز جان و دل

گر نکنم زد دوستی از دل و جان هوای تو

پرده ز روی بر فلک زانکه ماند تا ابد

جمله جان عاشقان مست می لقای تو



جان ودلی است بنده را بر تو فشانم اینک، هست  
نی که محقری است خودکی بود این سزای تو

چشم من از گریستن تیره شدی اگر مرا  
گاه و به گاه نیستی هر مه ز خاک پای تو

گر ببری به دلبری از سر زلف جان من  
زنده شوم به یک نفس از لب جانفزای تو

هست ز مال این جهان تقد فرید نیم جان  
می نپذیری این از و پس چه کند برای تو

عطار نیشابوری



مسابقه ششمین جشنواره



گاهنامه فرهنگ  
سیاسی و اجتماعی  
عمّار

شماره بیست و نهم



داور مسابقه : علی برزویی

ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر اصفهان



در کوه ها و در کلوگاه سی جوت

جنگلی میان برف و آتش شدیدار

تسلیم شدیج، آب شد مثل اسپری  
۱۰ تحویل خود را داد در دست چمنزار

در یک نبرد نابرابر ماه اسفند  
دست بهار و آتش او شد گرفتار

بهمین به برف و شن به آتش ها کجک داد  
در کسری سختی که بی حد بود انگار

یک دولت جعلی که فروردین لقب داشت  
قانون گذار و نوکری ارباب معیار

از آسمان، خورشید و از روی زمین باد  
جنگ دمار را با زمستان کرد اظهار

خورشید و فروردین تابستان چه بی مهر  
در بهب باران، و حسیانه بود و بدکار

گر ما اسفند دوسه ساله در این است  
ماهی که استعمار در آن نیست انگار

### نگاه داوری به این شعر:

نگاه جدید و جذاب

عبارت ها و ترکیب ها و  
استعاره های خوب

دید متفاوت به پدیده های  
اجتماعی در قالب نماد

فرمانده اسفند، آدم برنی زبر  
فریاد زود: (ای دانه های برف... بیدار!

یک سخط چشم دانه های برف خسید  
دیدند از سالار دیگر نیست آثار

فردا اگر پای بهار اینجا بفتد  
ابرو نیج و برف و زمستانند افسار

برف از سردیوار های شهر در رفت  
از تویی سنگر زیر هر سقفی به ناچار

محسن قندی





نه تنها چاه کوفه راز دارد آن دل شد  
دل محراب هم با سجده می آن سهرگره خورده

تمام تار و پودم بانج حیدر گره خورده  
دل ما شیعیان با جان او، به سهرگره خورده

علی، والای عالم بود و از عالم جدا، یعنی  
که ناهمش از ازل با "ساقی کوثر" گره خورده

محمد (ص) خم به ابرو برد و دشمن مرد، این یعنی  
که شمشیرش به ابروهای پیغمبر گره خورده

### نگاه داوری به این شعر:

قافیه قوی و خلاقانه  
تشبیه های جالب و خلاقانه  
تلمیح های خوب و به جا  
عبارت های عربی و دینی  
درست و به جا

زبان قاصر شده از قدرت مولای ما، تنها  
کمی از قدرتش بر سر درخسبر گره خورده

درخسبر کجا؟ زهرا کجا پشت در خانه؟  
خدایا سر نوشت او چرا با "در" گره خورده؟

علی بابائی







خیالت می‌کنم شاید، مرا گاهی صدا کردی...  
 حساب سگوه بایت را، از احساست جدا کردی

تورا از دور می‌بینم، همین اندازه سگرا اما،  
 ۵ هراسانم از این قدری، که بر آن اکتفا کردی!

تمام فصل بابی تو، زمستان می‌شود وقتی:  
 عذابم می‌دهد دردی، که آن را بی‌دوا کردی...

من این پائیز بعدی را، شبی آهسته می‌میرم  
 به تاوان نگاهی که، به حسرت بهتلا کردی...

**نگاه داوری به این شعر:**

- تصویر سازی خوب
- ارتباط گیری مناسب با خواننده
- شعر روان و جذاب
- کشش خواننده تا بیت های آخر

مرا گاهی تصور کن...، گناهِش پای من باشد...!  
 مگر جز این چه میخواهم که دستم را رها کردی

خدایی...! خانه‌ای...! روحی...! کجایی...! تو:  
 به جای قبله‌ای اما، نازم را قضا کردی...

مریم محمدصالحی



# بررسی تخریب هویت ایرانی

## در

## رسانه های غربی

همیشه اولین برخورد و مواجهه با یک عامل و پدیده نقش مهمی در شکل گیری یک دیدگاه در ذهن آدمی ایفا می کند.

شاید ابتدایی ترین مثال برای این مثال کودک و یک شی گرمایشی مثل سماور یا اتو باشد کودکان با توجه به رویکرد کنجکاوی دوره خود به دنبال دستیابی به همه اشیا موجود هستند و از خطرات احتمالی هیچ آگاهی ندارند، در اینجاست که عاملی بازدارنده مثل پدر و مادر و بزرگترها با حرکات و توجیهات خود سعی در ایجاد یک کاریزمای خاص برای کودک خود هستند تا از نزدیک شدن به چنین وسائلی باز دارند. رفته رفته عقل این کودک رشد کرده و توان این را دارد که مفهوم کامل اتو یا هر شی دیگر را بفهمد و تصویری مناسب و معقول به دست آورد.

شاید باورکردنی نیست که ابر رسانه های عصر ما چنین برخوردی با مخاطبین خویش دارند اما نه در راستای روشننگری و فهم درست مسائل بلکه در راستای معرفی به نفع، تحریف و دگرگونی و بعضاً تخریب باورها و اندیشه های ملی و مذهبی یک قوم خاص.

بہتر است قبل از ورود به بحث اصلی با واژه رسانه بیشتر آگاه شویم:

کلمه رسانه همانطور که از نامش پیداست به شی رسا و ارتباط رسان اطلاق می شود و در لغت به معنی رساننده و واسطه است در عصر ما شبکه ی متصل و عظیم غول پیکر نوین وظیفه انتقال پیام ها و مفاهیم را به عهده دارند جای تردید نیست که رسانه های قرون اخیر بسیار متفاوت تر و تاثیرگذارتر از رسانه های ماقبل تکنولوژی هستند. بی شک هر آنچه از دریچه رسانه های امروزی مشاهده می شود محصولی است از نگاه انسان معاصر که آمیخته با فنون اقناع و ترفندهای فرهنگ پذیری است.

اینکه با این پیش زمینه بحث ما شروع می شود در ابتدا باید عرض کرد که تمدن و غنای فرهنگی ایران بر هیچ کس پوشیده نیست و کمتر کسی در دنیای امروز پیدا می شود که چون مورخان یونانی و جهان اسلام و روشنفکران غربی گوشه ای از ذوق و هنر و تمدن ایرانی را ستایش نکرده باشد. شاید بهترین مثال اعتراف های ناخواسته روسای جمهور آذربایجان و ترکیه پیرامون این مسئله در دو سال اخیر باشد همچنین کریستین سن پژوهشگر دانمارکی عصر باستان ایران و خاورشناس سرشناس سال های نه چندان دور بارها در کتاب هایی چون ایران در عصر ساسانیان به تمجید فرهنگ ایران پرداخته است.



سفرنامه های گردشگران اروپایی عصر صفوی چون شاردن و پترو دلاواله هم از این بحث خالی از لطف نیست، اما مثل اینکه در حال حاضر شبکه‌ها و برنامه‌های جهان غرب رویه دیگری در این زمینه پیش گرفته اند، به طوری که در یکی از فیلمهای هالیوودی به نام (شبی با پادشاه) به سرگذشت بخشی از تاریخ قوم بنی اسرائیل پرداخت می شود که از قضا معاصر دوره هخامنشیان در ایران است از مواجهه این دو در برهه ای از تاریخ سخن می گوید:

این فیلم محصول سال ۲۰۰۶ آمریکا به کارگردانی "مایکل آساجیل" به بررسی و تعریف یک بخش از کتاب مقدس به نام کتاب استر می پردازد خواسته یا ناخواسته تمدن باشکوه ایران و باستان را در هزاره دوم پیش از میلاد به تصویر می کشد که شاه وقت خشایار پارسی را اصطلاحاً بسیار زیبا رو جلوه داده و به داستان ازدواج و یک دختر یهودی اشاره میکند (همین روایت تاریخی مهجور و اشاره به کشتار پولریم و گرامیداشت آن توسط غرب در دوره معاصر، خود نیز دلیلی بر ایران ستیزی جهان غرب است که در فرصتی مناسب به آن خواهیم پرداخت) اما در اوج ناباوری و در سال پخش این فیلم و درست دو ماه بعد از انتشار شبی با پادشاه هالیوود فیلمی را با نام "۳۰۰" منتشر می کند که همانند فیلم قبل بیانگر بخشی از سلطنت خشایار شاه پارسی است که انگار هدفی دیگر از انتشار این فیلم وجود دارد، چنان که چهره ای وحشی و منفور از خشایار شاه و سربازانش را در این فیلم می بینیم که دارای ذاتی حمله گر وحشی و دارای قدرت های شیطانی هستند که با رومیان شهر اسپارت پایتخت نظامی یونان وارد جنگ میشوند. حال سوال اینجاست که چگونه در قالب یک فیلم به ستایش تاریخ ایران پرداخته می شود اما بلافاصله و در کمتر از دو ماه فیلم دگرگون و دارای معنی متضاد تولید می شود تا چهره ای زشت از ایرانی‌ها به مردم سراسر جهان مخابره کند!؟

<p><b>تصویر خشایار شاه در فیلم "یک شب با پادشاه"</b></p>	<p><b>تصویر خشایار شاه در فیلم ۳۰۰</b></p>	
<p>هر دو فیلم در سال ۲۰۰۶ و با اختلاف چند ماه ساخته و پخش شده. خشایار شاه در فیلم یک شب با پادشاه همسر استر یهودی و <b>داماد یهود</b> است و چهره ای زیبا دارد. اما در فیلم ۳۰۰ در <b>مقابل یونان و غرب میجنگد</b> و چهره زشت و نفرت انگیز دارد. <b>این است تاریخ سازی، کلیشه سازی و تصویر سازی یهودی</b></p>		<p><b>تفاوت چهره و سیمای خشایارشا، پادشاه هخامنشی در دو فیلم هالیوودی! یک بار در فیلم "یک شب با پادشاه" و یک بار در فیلم ۳۰۰! در فیلم اول خشایارشا زیباست چون یهودیان را نجات داد و در فیلم دوم زشت و ترسناک است چون آتن را به آتش کشید!</b></p>
<p>دقیقا به همین دلیل است که شما از کل شاهان ایران باستان فقط باید <b>کوروش، داریوش و خشایارشا</b> را بشناسید و برایتان اسطوره و مقدس کنند! چون فقط این ۳ شاه به <b>یهود</b> خدمت کرده اند..</p>		

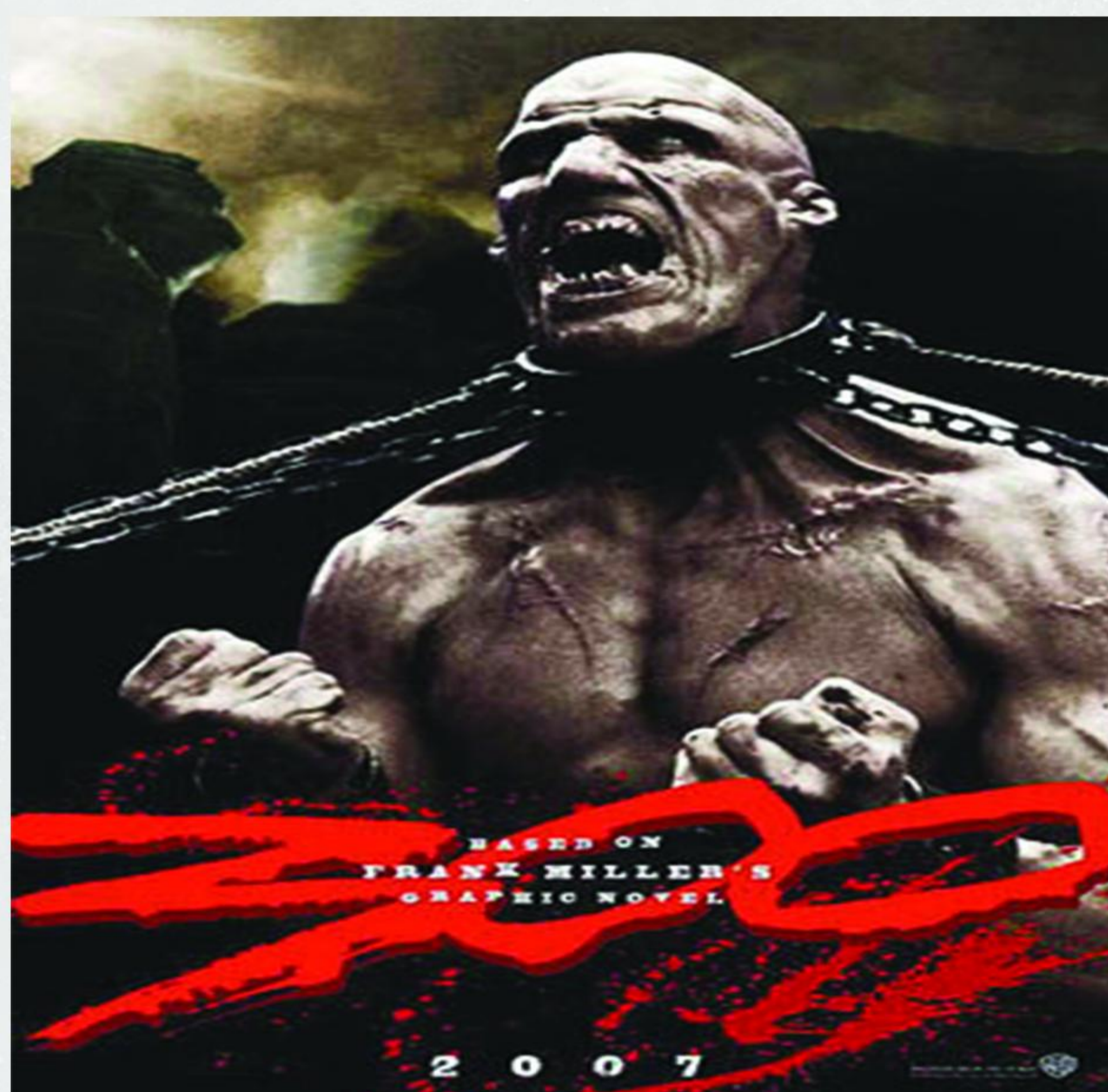




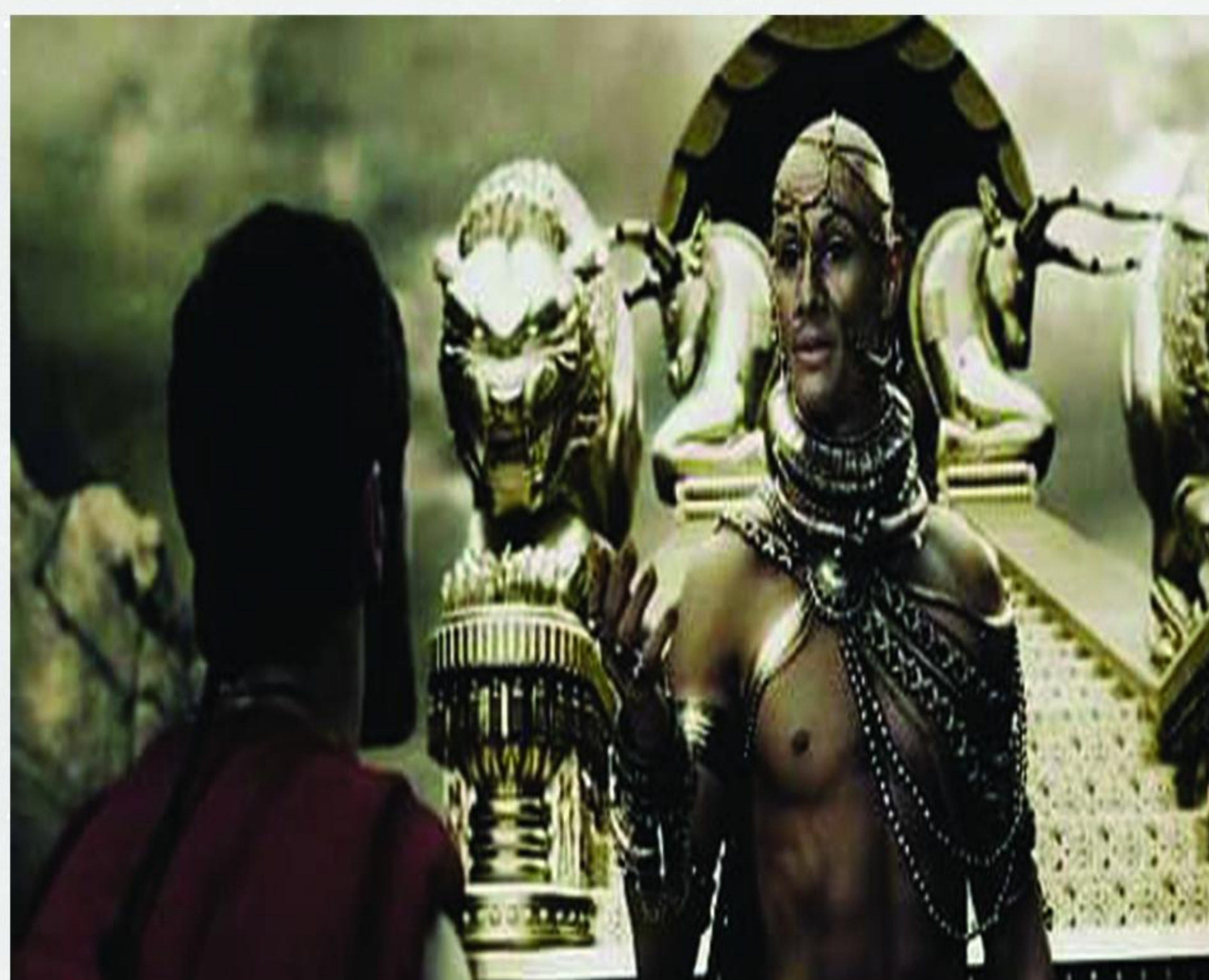
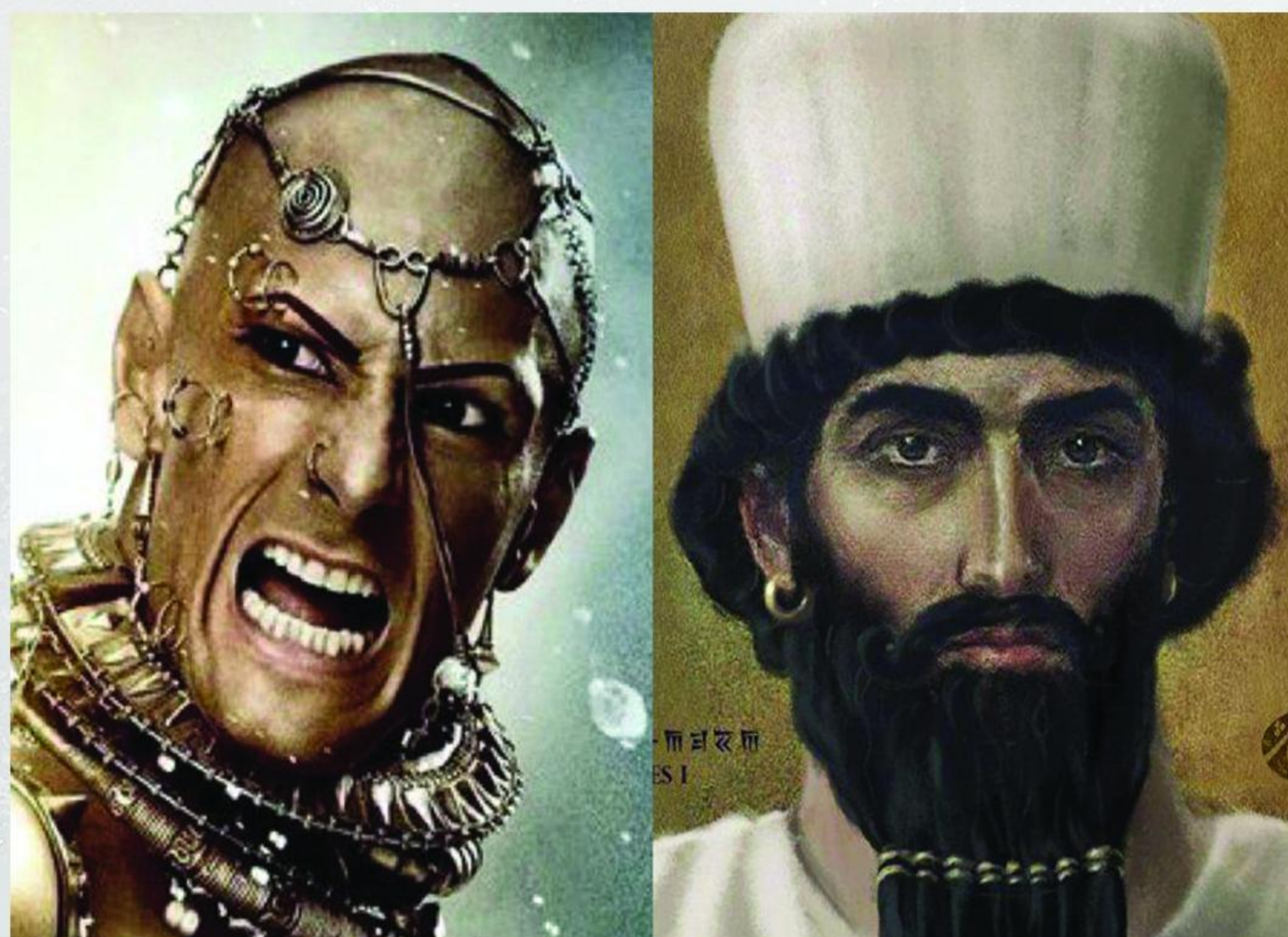
آیا می‌توان پذیرفت که این دو فیلم واقعا از دل یک سینما بیرون آمده است؟!  
 بالاخره تمجید یا تخریب؟!  
 به قول معروف یا رومی روم یا زنگی زنگ!!!  
 مخاطب این فیلم‌ها باید کدام مفهوم را بپذیرد؟!  
 اصلاً مخاطب از خود نمی‌پرسد که دلیل این تمجید و تخریب نابجا چیست؟!  
 واقعا چرا کارگردان فیلم ۳۰۰ (زک اسنایدر) باید ۶۵ میلیون دلار خرج کند تا هویتی واژگون و دور از واقعیت از ایرانیان به جهان معرفی کند؟!  
 آن هم در دو نوبت سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۴ میلادی؟



اینکه موضع غرب نسبت به تمدن ایرانی اسلامی سریع عوض می‌شود زیاد جای تعجب ندارد چرا که به گفته سیاستمداران غربی برنامه و نقشه جهان غرب برای نابودی اتحاد جماهیر شوروی که روزگاری رقیب سیاسی آن‌ها بود فقط در یک بازه زمانی ۴۵ ساله سه بار استراتژی کلی مقابل را عوض کردند، یعنی به طور متوسط هر ۱۵ سال یکبار آن هم شوروی که بر نیمی از دنیا تسلط کمونیستی داشت و حتی دارای بمب اتم به کلاهک‌های هسته‌ای بود که حتی با استقرار آنها در بندر کوبا یعنی نزدیکی آمریکا جهان را تا آستانه جنگ جهانی سوم پیش برد؛



حال باورکردنی نیست همین نظریه پردازان نابودی شوروی در قبال کشور ما هر ۱۱ ماه یک بار این جبهه دست به تغییر استراتژی مقابله اعم از سرد و گرم زده است، به خصوص در زمینه تهاجم فرهنگی و ترور شخصیتی افراد به نام تاریخ ایران و هویت ایرانی اسلامی و هیچ شکی در آن نیست که غنای این فرهنگ و گیرایی آن است که در کنار مشتاقان رقیبان و دشمنانی نیز پیدا کرده است.



آیا از این تلاش رسانه ای غرب اثبات نمی شود که به دلیل دارایی فرهنگی قوی دشمن زودتر دست به کار شده تا چهره دیگر به جهانیان توسط رسانه هایش بنماید؟!  
 آیا وقت آن نرسیده که طیف های مختلف کشور را از وجود چنین دشمنان دورویی باخبر کنیم؟  
 آیا این تخریب ها باعث نشده که زودتر غنای فرهنگی و ذات واقعی هویتمان را با رسانه های بومی و حتی غیر بومی به مردم جهان قبل از دشمنان معاصر بشناسانیم!؟



# ضرب‌اشک

## اشک تمساح می‌ریزد!!!



خاصه گریه و اشکی که نه از باب دلسوزی، بلکه از رهگذر ریا و تدلیس باشد، تا بدان وسیله مقصود حاصل آید و سونیت گریه کننده جامه عمل بپوشد. سابقا معتقد بودند که غذا و خوراک تمساح به وسیله اشک چشم تامین می‌شود. بدین طریق که هنگام گرسنگی به ساحل می‌رود و مانند جسد بی‌جان ساعت‌ها متمادی بر روی شکم دراز می‌کشد. در این موقع اشک لزج و مسموم کننده‌ای از چشمانش خارج می‌شود که حیوانات و حشرات هوایی به طمع تغذیه بر روی آن می‌نشینند.





پیدا است که سموم اشک تمساح آنها را از پای در می آورد.  
فرضا نیمه جان هم بشنود و قصد فرار کنند به علت لزج بودن اشک تمساح نمی توانند  
از آن دام گسترده نجات یابند. خلاصه هر بار که مقدار کافی حیوان وحش در دام اشک تمساح افتند،  
تمساح پوزه ای جنبانیده به یک حمله آنها را بلع می کند و مجدداً برای شکار کردن طعمه های دیگر  
اشک می ریزد.  
داستان ضرب المثل اشک تمساح می ریزد.

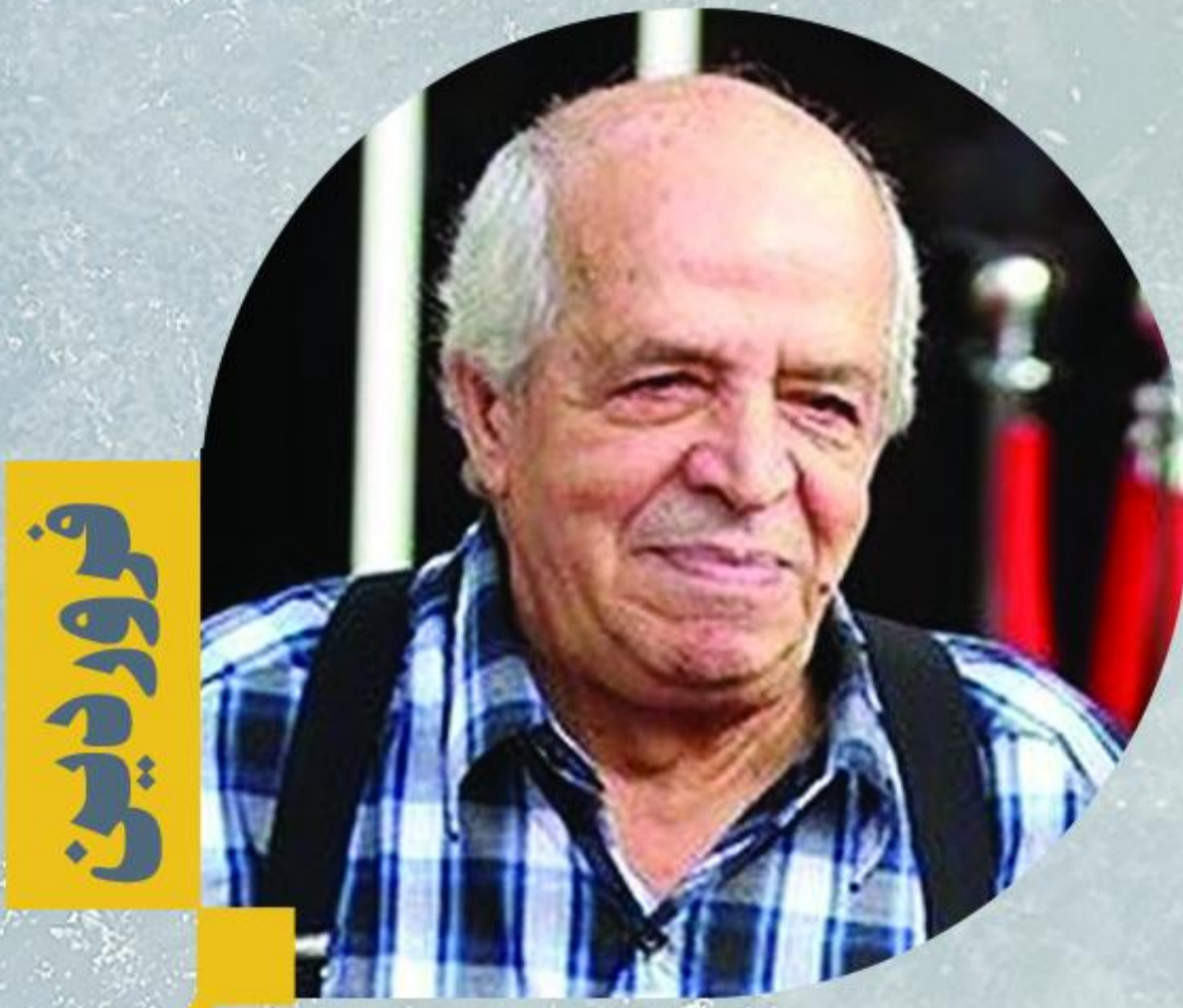




# گذری بر وقایع



## ۱۴۰۰



فروردین

۲۵ فوت محسن قاضی مرادی، بازیگر



فروردین

۷ فوت آزاده نامداری، مجری و تهیه کننده تلویزیونی



فروردین

۷ سند جامع همکاری های ایران و چین امضا شد



اردیبهشت

۲۵ ثبت نام کاندیدا های ریاست جمهوری در روز آخر



فروردین

۳۰ سردار فلاح زاده جانشین نیروی قدس سپاه شد



فروردین

۲۹ شهادت سردار حجازی جانباز شیمیایی کشور به دلیل نارسایی قلبی



خرداد

۲۳ برکناری نتانیاهاو از قدرت و پا گرفتن نفتالی بنت



خرداد

۴ اعلام اسامی نامزد های احراز صلاحیت شده ریاست جمهوری به وزارت کشور







خرداد

شروع رای گیری ریاست جمهوری

۲۸



خرداد

پایان رای گیری با حداکثر رای برای آیت الله رئیسی

۲۹



مرداد

تنفیذ رئیس جمهور

۱۲



مرداد

فوت ارشا اقدسی بدل کار کشور

۱۳



مرداد

فوت علی سلیمانی، بازیگر، مجری و طراح دکور

۲۱



مرداد

تصرف هرات به دست طالبان

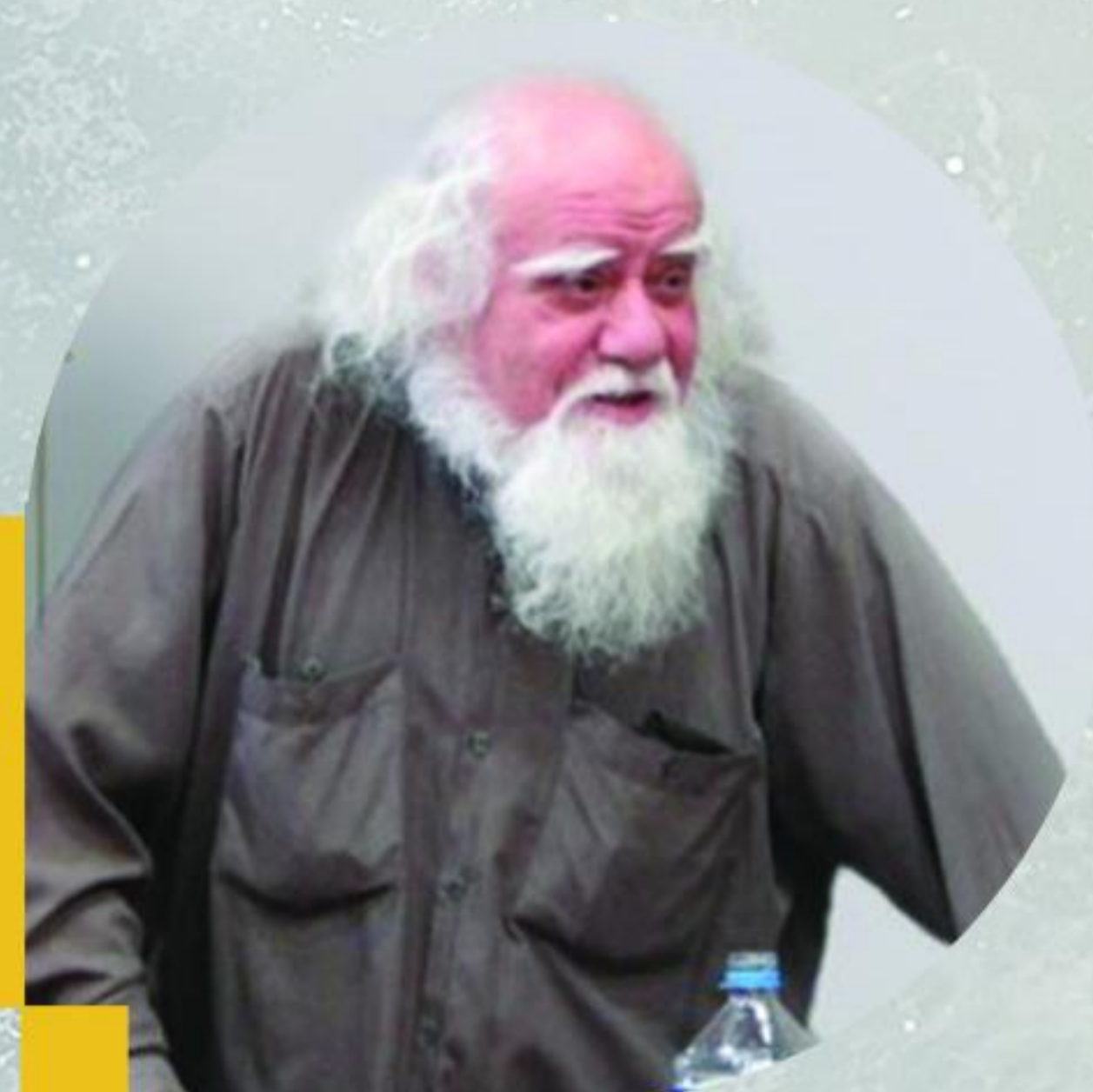
۲۱



مرداد

سقوط کابل پایتخت افغانستان به دست طالبان

۲۴



مرداد

فوت علامه محمدرضا حکیمی، فقیه و مجتهد شیعه، فیلسوف، متفکر و نویسنده

۳۱



شهریور

خروج نیروی های آمریکا و ائتلاف از افغانستان

۲۰



مهر

آسمانی شدن علی لندی نوجوان فداکار ایذه ای

۱

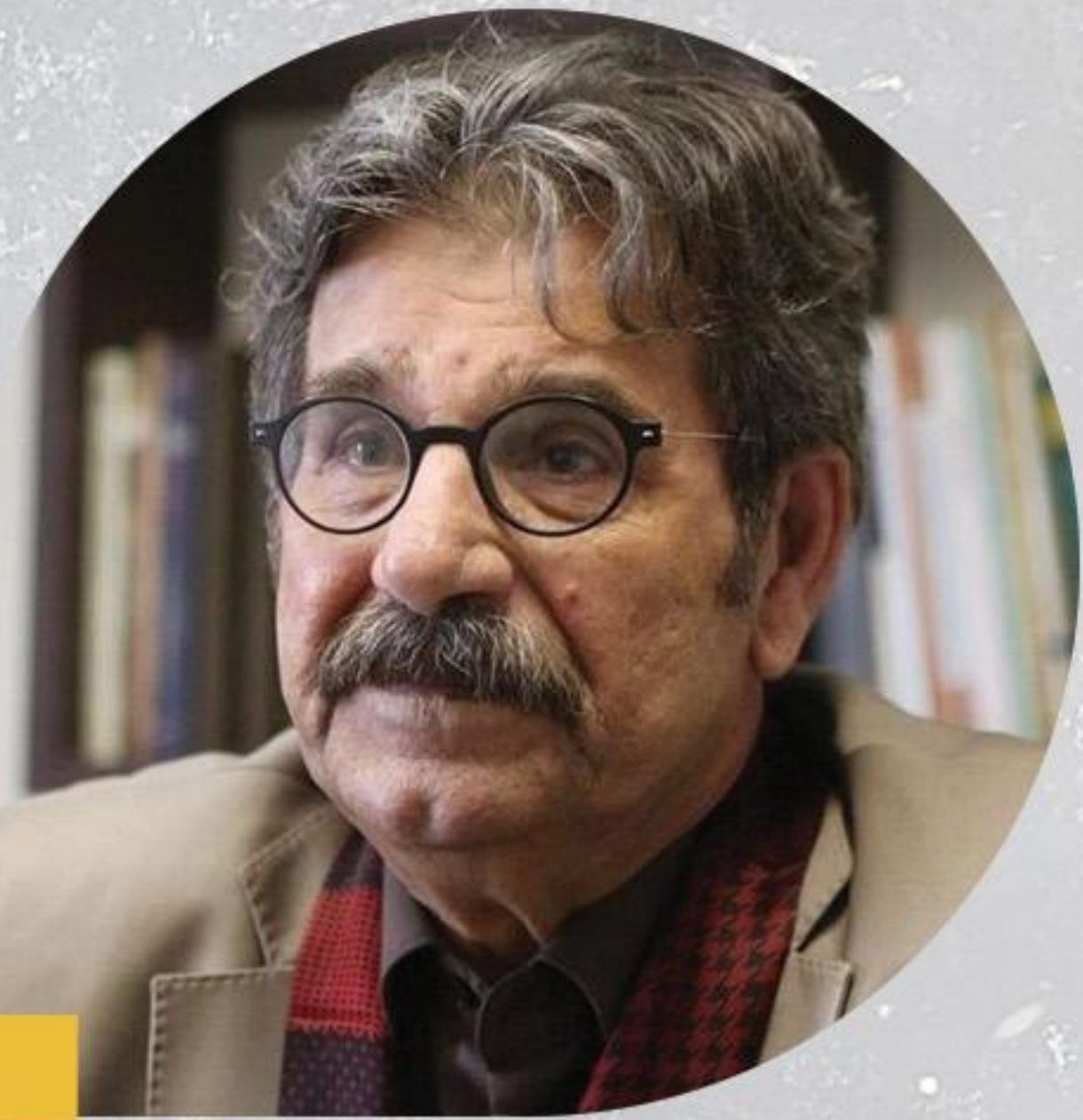


مهر

فوت علامه حسن زاده ی آملی، فیلسوف متأله، فقیه، عارف، منجم و مدرس دروس حوزوی

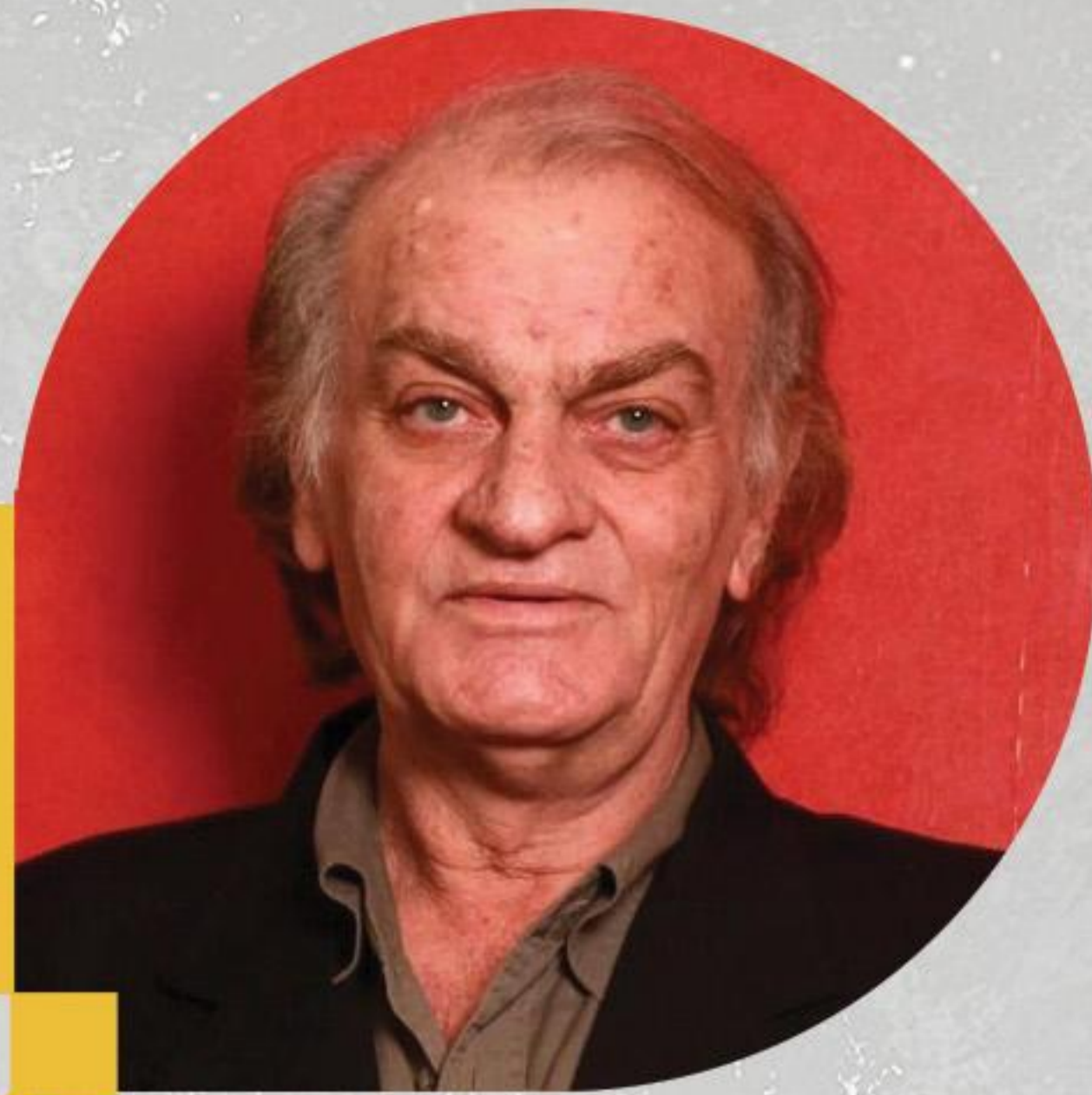
۳





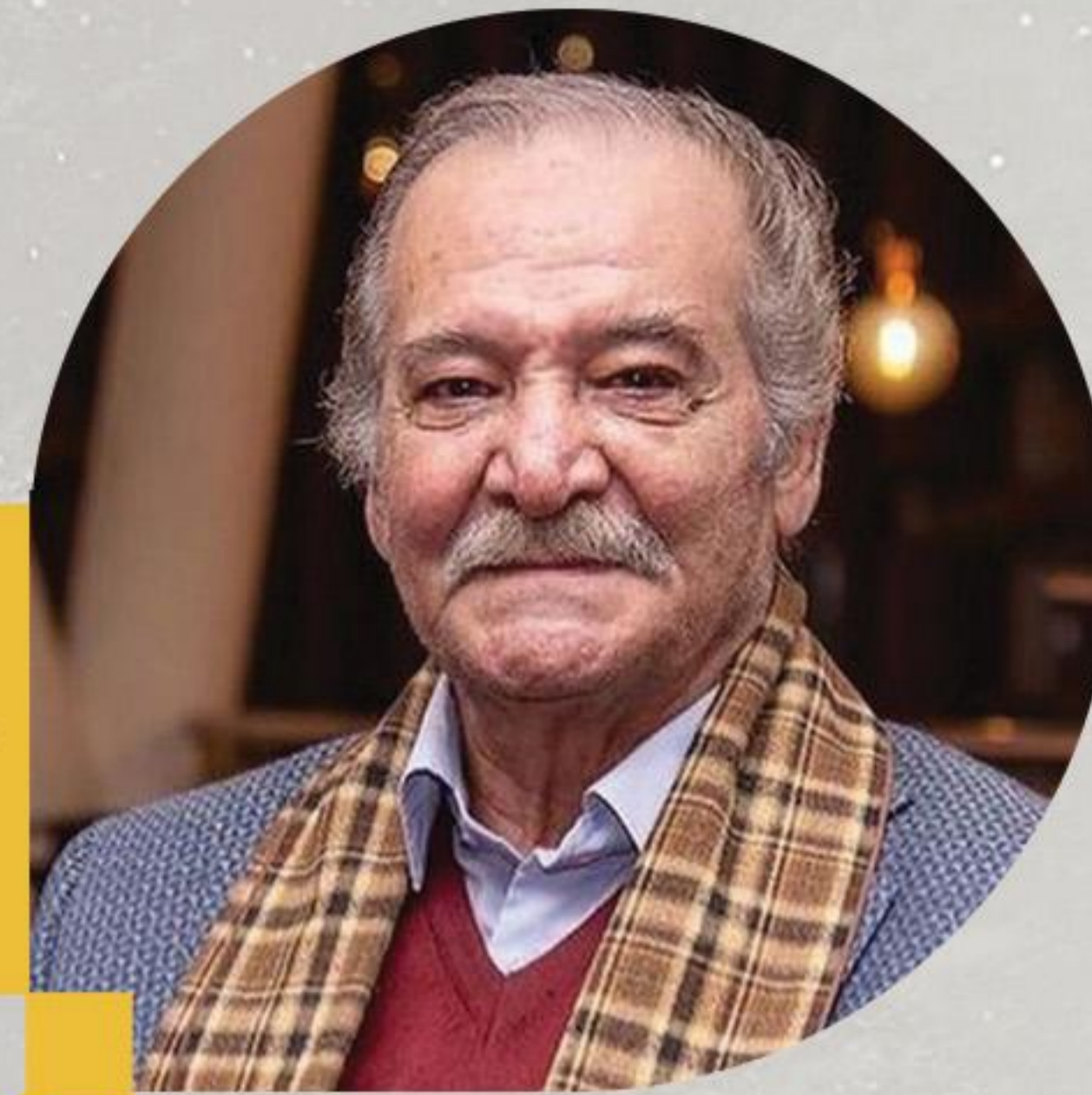
۱۶

فوت عزت الله مهرآوران، بازیگر و نمایشنامه‌نویس



۱۳

درگذشت فتحعلی اویسی بازیگر سینما و تلویزیون



۴

فوت سیامک اطلسی، بازیگر و دوبلور



۹

پرتاب موفقیت آمیز سه محموله توسط ماهواره بر بومی سیمرغ به فضا



۴

تلسکوپ فضایی جیمز وب به فضا پرتاب شد



آخر

رای اعتماد مجلس به یوسف نوری گزینه پیشنهادی وزارت آموزش و پرورش دولت سیزدهم



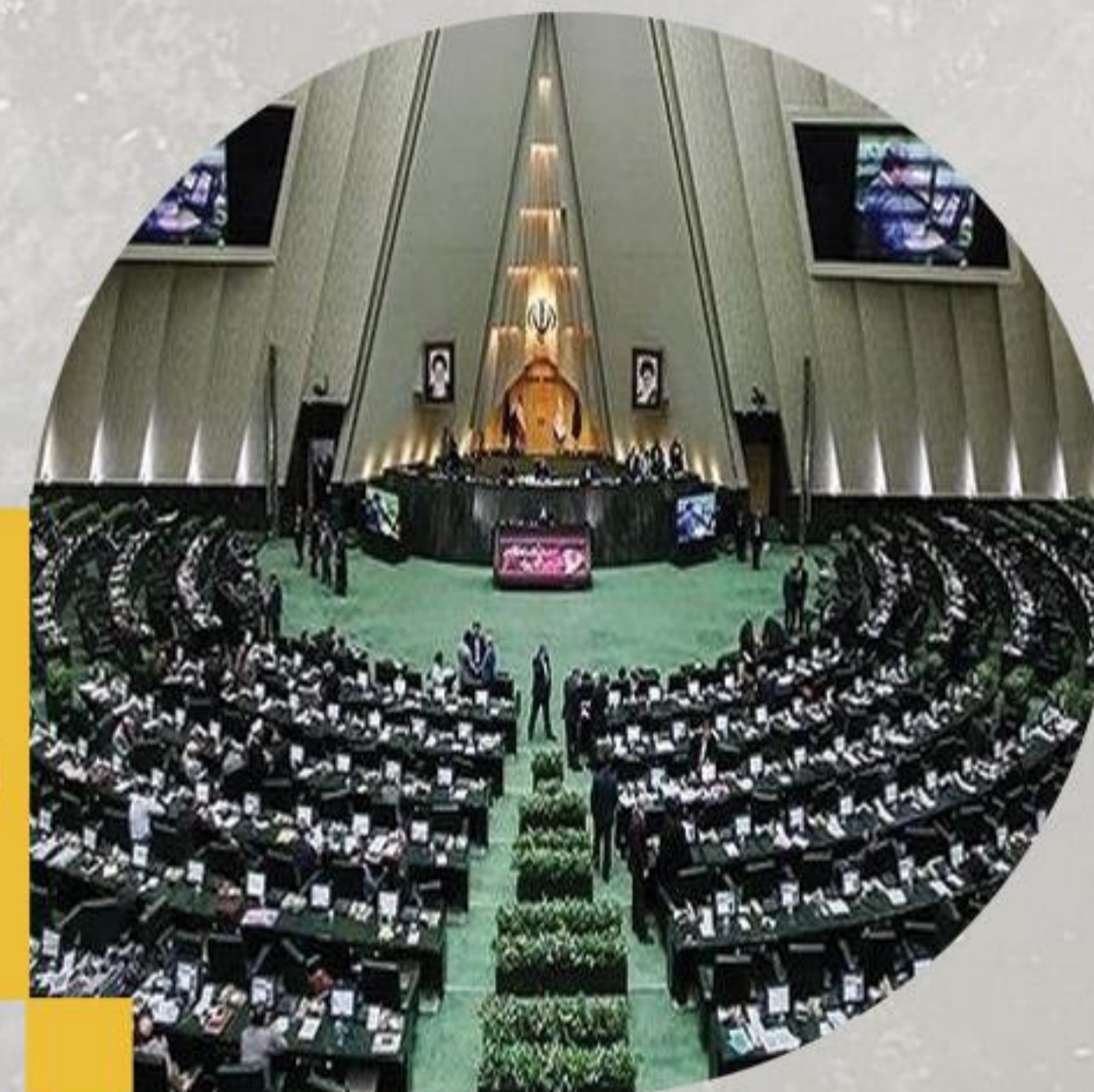
۲۹

ورود آیت الله رئیسی بنا به درخواست همتای روس خود به مسکو



۲۹

باز شدن دریچه‌های بند سد کمال‌خان توسط افغانستان و جاری شدن آب به سمت مرزها



۱۹

تصویب کلیات بودجه ی ۱۴۰۱



۱۲

فوت آیت الله صافی گلپایگانی، فقیه و مجتهد و از مراجع تقلید شیعه در قم - ایشان نزد سید حسین طباطبایی بروجردی تحصیل کرده بود



۷

صعود زود هنگام ایران به جام جهانی قطر





اسفند

۲

سقوط یک جت آموزشی  
نظامی در شهر تبریز



بهمن

۲۲

فوت خانم حلیمه سعیدی بازیگر  
طنز پرداز کشور



اسفند

۵

آغاز جنگ روسیه با اوکراین

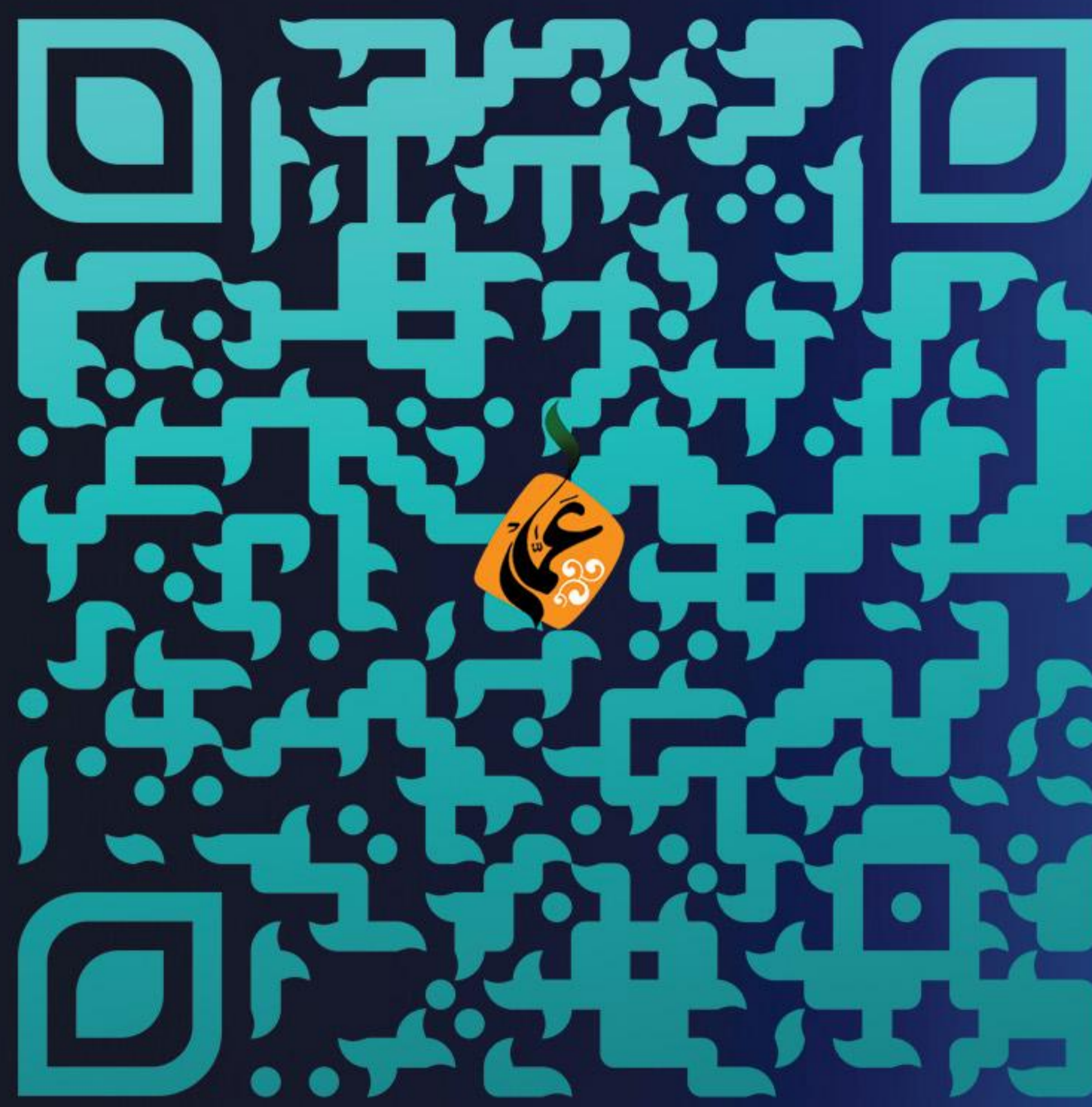


اسفند

۲

به رسمیت شناخته شدن  
دونتسک و لوهانسک





برای دسترسی به کلیپ متن نقد فیلم این رمزینه را اسکن کنید.

## دانش آموز بد یا معلم بد؟

سکسکه باعث توقف من نخواهد شد!

خلاصه فیلم: داستان خانمی به نام ناینا ماتور (Naina Mathur) با بازی زیبای رانی موکرجی (Rani Mukerji) یک معلم مشتاق که از سندروم تورت (Tourette's syndrome) رنج می برد ولی از تلاش خود برای رسیدن به مقام معلم دست بر نمی دارد.....

کاگردان: سید هارت مالهوترا

تهیه کننده: منیش شارما

نویسنده: سید هارت پمالهوترا\_ آنکور چادری

شرکت تولید کننده: یاش راج فیلم

ژانر: کمدی، درام

بازیگران: رانی موکرجی، نیراج کابی و هارش مایارو.....

محصول: کشور هندوستان 🇮🇳

امتیاز IMDb: ۷.۵۱۰ از ۱۲ هزار رای

فروش باکس آفیس: ۲۵ میلیون دلار (۱۵ امین فیلم فروش سینمای هندوستان)

جوایز: برنده جایزه بهترین فیلم از جشنواره جیفونی، برنده جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن جشنواره ملیورن هند، و نامزد بهترین بازیگر نقش اول زن جشنواره Filmfare



## تصمیم گیرنده اصلی زندگیمان خودمان هستیم

شخصیت اصلی فیلم خانم ناینا ماتور ( رانی موکرجی ) با شرایط متفاوتی نسبت به بقیه پا بر عرصه زندگی گذاشته است و این شرایط موجب شده است که در پی استرس به سسکه دچار شود. در پی همین مورد هیچ دلیل محکمه پسندی وجود ندارد که این خانم شغل هایی که بیان و صحبت کردن در آن ها ضروری است را انتخاب کند ولی به واسطه ی علاقه شدید می خواهد معلم شود و تدریس کند، در همین راستا مشکلات خودش را شناخته و آن ها را پذیرفته است و نقطه ضعفش را به نقطه قوت خودش تبدیل می کند.

در یکی از سکانس های نخستین فیلم، کارگردان بایک نمای نزدیک (Close Up) ما را برای اولین بار با سندروم تورت آشنا می کند و خیلی زیبا استرس را به بیننده انتقال می دهد.

در ادامه سکانس، جلسه استخدای را می بینیم که ۲ جمله زیبا از ناینا ماتور در مصاحبه مطالب بالا را به ما نشان می دهد:

۱- ناینا ماتور، خودش و سندرومش را "ما" خطاب می کند و نشان می دهد نقطه ضعفش را می شناسد و پذیرفته است.

۲- در ادامه در حالی که از جلسه خارج می شود با گفتن جمله ( من وقتی به شما چیزی یاد دادم به دانش آموزان هم می توانم ) نشان می دهد که نقطه ضعفش را به نقطه قوت تبدیل کرده است.

نتیجه گیری: ناینا ماتور مسئله محور نیست و مسئله خودش را پذیرفته و حل کرده است.



## دقایقی مهم از فیلم با موضوعات محوری آموزش و پرورش

دقیقه ۳: تبدیل نقطه ضعف ها به نقطه قوت

دقیقه ۱۴: تأثیر گذاری معلم بر آینده دانش آموزان

دقیقه ۳۱: عدالت آموزشی

دقیقه ۳۸: ناامید نشدن معلم از دانش آموزان ( وجدان کاری )

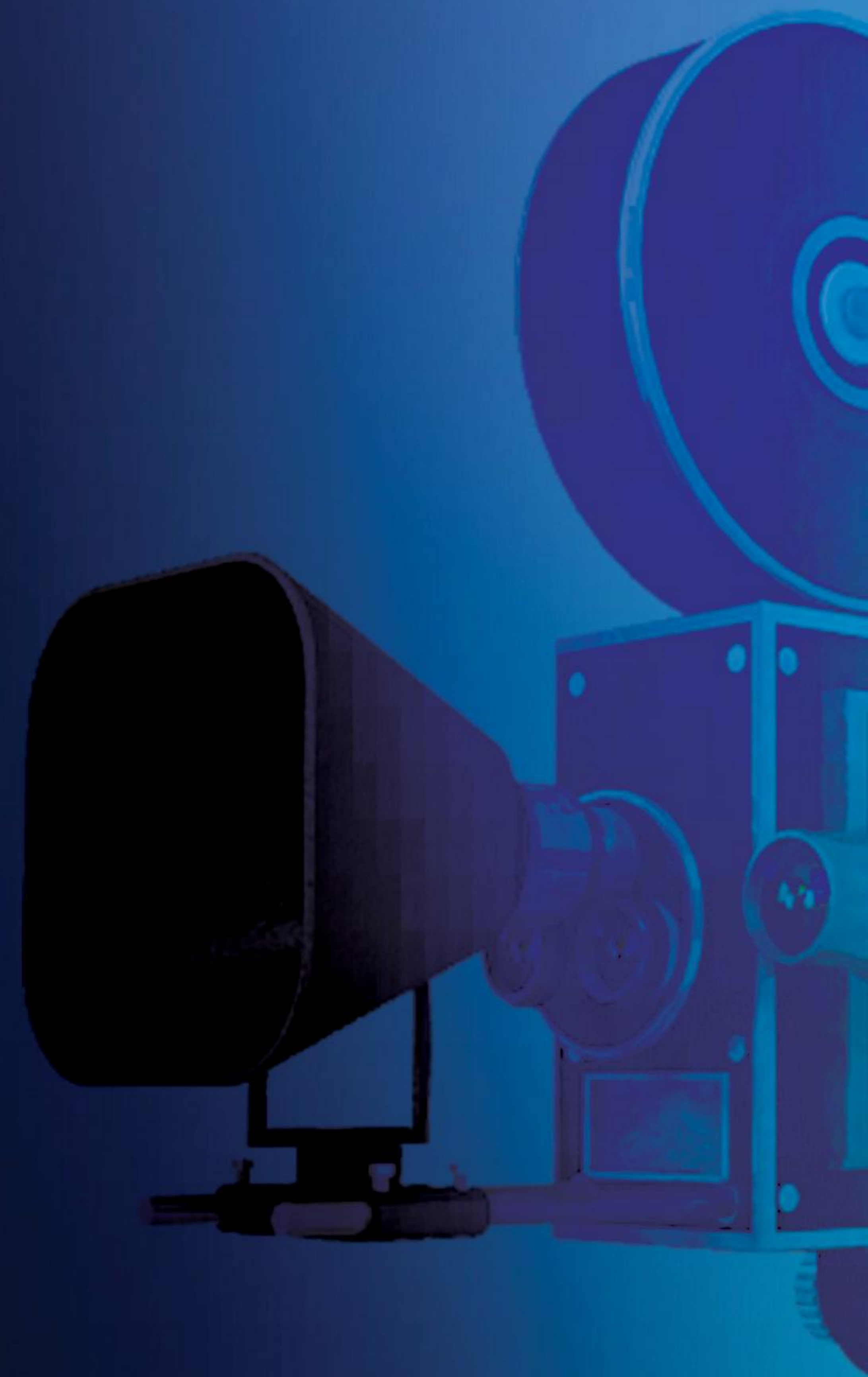
دقیقه ۴۷ و ۶۵: روش تدریس خلاقانه و جذب اعتماد دانش آموزان

دقیقه ۵۴ تا ۵۹: معلم دغدغه مند و تفاوت طبقاتی دانش آموزان

دقیقه ۶۰: شناخت نقطه قوت دانش آموزان و کمک به آشنایی آن ها

به نقطه قوت هایشان و افزایش اعتماد به نفس آن ها

دقیقه ۷۰: برخورد نادرست معلم با دانش آموز ضعیف

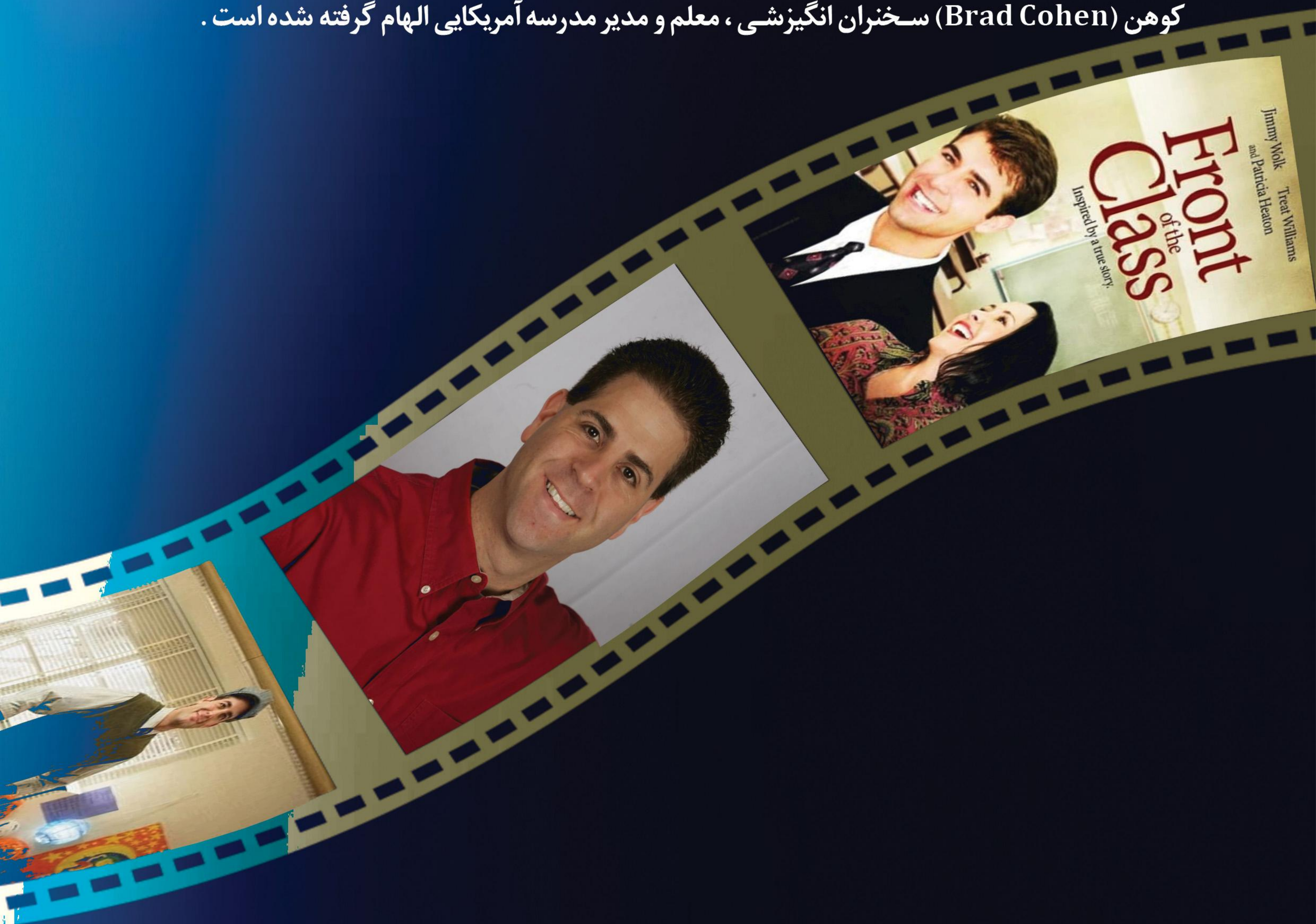


## شناخت ساختار فیلم

فیلم سکسکه یک فیلم نسبتاً طولانی است با فیلم برداری خوب و درجه یک و فیلمنامه فوق العاده و موسیقی متن متوسط که در کنار هندی بودنش هیچ آثاری از بالیوود هندوستان درونش پیدا نمی شود و یک تابوشکنی عالی را به نمایش می گذارد که با سادگی و زیبایی هر چه تمام تر مخاطبان را بر پشت گیرنده هایشان میخکوب می کند تا سرانجام کلاس F۹ را ببینند و کنجکاوانه به دنبال فهمیدن سرانجام ۱۴ دانش آموز این کلاس باشند و در کنار آن ها بخندند و لذت ببرند.

## اقتباسی شده از

این فیلم اقتباسی از فیلم جلوی کلاس (۲۰۰۸) (Front of the class) می باشد و از زندگی نامه برد کوهن (Brad Cohen) سخنران انگیزشی، معلم و مدیر مدرسه آمریکایی الهام گرفته شده است.



**صدای پای کسی می آید:**

- ۱- دیوان اشعار عطار نیشابوری غزل شماره ۳۷۷
- ۲- قرآن کریم سوره مطفین آیه ۲۵
- ۳- غزل نیاز روحانی فاطمه راکعی
- ۴- دیوان حافظ شیرازی غزل شماره ۱۳۱
- ۵- تحلیلی بر ابیاتی از حافظ شیرازی براساس بخشی از برنامه تلویزیونی معرفت با حضور دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی و دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی با ویرایش و تلخیص
- ۶- نهج البلاغه سید رضی حکمت ۱۴۵ ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی
- ۷- تحلیلی بر ابیاتی از حافظ شیرازی براساس بخشی از برنامه تلویزیونی معرفت با حضور دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی و دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی با ویرایش و تلخیص
- ۸- دیوان منصوری (دیوان اشعار دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی) صفحه ۲۱۸ غزل قباي ناز
- ۹- غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی صفحه ۴۲۲
- ۱۰- تحلیلی بر ابیاتی از حافظ شیرازی براساس بخشی از برنامه تلویزیونی معرفت با حضور دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی و دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی با ویرایش و تلخیص
- ۱۱- دیوان حافظ شیرازی غزل شماره ۱۳۱
- ۱۲- شعر خلوت خاص اثر نورعلیشاه اصفهانی

**گذری بر وقایع ۱۴۰۰:**

باشگاه خبر نگاران جوان [yjc.ir](http://yjc.ir)  
 مقالات ویکی شیعه  
 مقالات ویکی پدیا

**روز جهانی شعر و عطار نیشابوری:**

منبع مقالات ویکی پدیا  
 سایت گنجور ([ganjoor.net](http://ganjoor.net))

**بررسی تخریب هویت ایرانی در رسانه های غربی:**

مصاحبه شبکه تحلیلی نخبگان با دکتر مهدی صفری سفیر اسبق جمهوری اسلامی ایران در روسیه در تاریخ ۱۳۹۴ دی ۵  
 بررسی مقایسه ای تحریم های آمریکا علیه شوروی سابق (۱۹۹۰-۱۹۴۵) و علیه جمهوری اسلامی ایران (هم اکنون - ۱۹۷۹)

**ضرب المثل:**

<http://adabiatroodehen.blogfa.com/post/۱۳۱>

**تاریخچه و آداب رسوم چهارشنبه سوری:**

<https://www.digikala.com/mag/facts-you-didnt-know-about-chaharshanbe-suri/>





بسیج دانشجویی دانشگاه  
شهید دکتر آیت نجف آباد



دانشگاه فرهنگیان  
شهید دکتر آیت نجف آباد